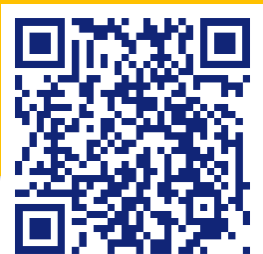




توسعه صادرات غیر نفتی استان تهران؛

تحلیل مزیت‌های صادراتی و

ارائه مدل همکاری دولت و اتاق بازرگانی



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

توسعه صادرات غیر نفتی استان تهران؛ تحلیل مزیت‌های صادراتی و ارائه مدل همکاری دولت و اتاق بازرگانی تهیه کننده: فاطمه علیزاده آغاسمعیلی

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را به واحد
مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاما مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

مرداد ۱۴۰۵



خلاصه مدیریتی

استان تهران به واسطه تمرکز جمعیت، فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، زیرساخت‌های حمل و نقل و لجستیک، شرکت‌های بزرگ صنعتی و دانش‌بنیان و همچنین نهادهای پشتیبان تجارت، از کانون‌های مهم توسعه صادرات غیرنفتی کشور به شمار می‌رود. این استان با جمعیتی بیش از ۱۴ میلیون نفر و سهم ۲۱.۱ درصدی از ارزش افزوده کل کشور، بزرگ‌ترین اقتصاد استانی ایران را در اختیار دارد و اندازه اقتصاد آن از مجموع تولید ناخالص داخلی ۱۷ استان کشور بیشتر است. این استان با قرار گرفتن در مرکز شبکه ارتباطی کشور، برخورداری از سه گمرک، دو فرودگاه، شبکه ریلی گسترده و دسترسی به ظرفیت‌هایی نظیر بند خشک آپرین، زمینه مناسبی برای اتصال واحدهای تولیدی به بازارهای داخلی و خارجی فراهم کرده است.

ساختار اقتصادی استان بیش از آنکه متکی بر استخراج منابع طبیعی باشد، بر فعالیت‌های صنعتی، تجاری و خدماتی استوار است. بخش صنعت با سهم ۲۰.۴ درصدی از ارزش افزوده استان، جایگاه محوری دارد و پس از آن فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه با سهم ۱۵.۴ درصد و املاک و مستغلات با سهم ۱۴.۷ درصد قرار گرفته‌اند؛ در مقابل، سهم استخراج معدن از ارزش افزوده استان تنها ۰.۲ درصد است.

ساختار صنعتی تهران از تنوع و عمق نسبی برخوردار است، اما تولید و اشتغال آن در تعدادی از رشته‌فعالیت‌های بزرگ متمرکز شده است. ساخت محصولات فلزی، ماشین‌آلات و تجهیزات و فرآورده‌های غذایی بیشترین تعداد بنگاه‌های صنعتی را در اختیار دارند و تولید وسایل نقلیه موتوری با سهم ۲۹ درصدی، مهم‌ترین منبع ایجاد ارزش افزوده صنعتی استان محسوب می‌شود. تمرکز اشتغال در صنایع وسایل نقلیه موتوری، غذایی، ماشین‌آلات و محصولات فلزی، از شکل‌گیری یک هسته صنعتی مبتنی بر خودروسازی، قطعه‌سازی، ماشین‌سازی و صنایع واسطه‌ای حکایت دارد، هرچند وابستگی بالا به تعدادی صنعت بزرگ، آسیب‌پذیری تولید و اشتغال را در برابر شوک‌های تقاضا و تغییرات سیاستی افزایش می‌دهد. نتایج ضریب مکانی محاسبه شده نیز تخصص نسبی استان را در رشته‌هایی نظیر چاپ و تکثیر، وسایل نقلیه، پوشاک، مبلمان، محصولات رایانه‌ای و الکترونیکی، چرم، ماشین‌آلات، دارو، محصولات فلزی، تجهیزات برقی و صنایع غذایی نشان می‌دهد. بر این اساس، دارو و تجهیزات پزشکی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، صنایع غذایی فرآوری‌شده، تجهیزات برقی و محصولات دانش‌بنیان و فناوریانه از مهم‌ترین زنجیره‌های دارای ظرفیت توسعه صادرات و خلق ارزش افزوده بالاتر به شمار می‌روند.

ارزش کالاهای صادرشده از گمرکات استان تهران در سال ۱۴۰۳ به حدود ۲ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال ۱۴۰۲ رشد ۱۸.۷ درصدی داشت و در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ نیز حدود ۱.۴ میلیارد دلار صادرات از گمرکات استان ثبت شد. با این حال، ترکیب جغرافیایی صادرات از تمرکز بالا در تعداد محدودی از بازارها حکایت دارد؛ به گونه‌ای که در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴، ترکیه و عراق در مجموع بیش از ۵۶ درصد ارزش صادرات ثبت‌شده را به خود اختصاص دادند. این تمرکز، صادرات استان را در برابر تحولات سیاسی، تجاری، ارزی و لجستیکی بازارهای مقصد آسیب‌پذیر می‌کند.

ارزیابی ظرفیت‌ها و شکاف‌های صادراتی نشان می‌دهد مسئله اصلی استان کمبود توان تولیدی، صنعتی یا خدماتی نیست، بلکه ضعف در تبدیل این ظرفیت‌ها به حضور مستمر و رقابت‌پذیر در بازارهای خارجی است. بی‌ثباتی سیاست‌های ارزی، تجاری و مالیاتی، تغییرات مکرر مقررات، دشواری تأمین مالی و انتقال پول، محدودیت پوشش‌های بیمه‌ای و ضمانتی، ضعف اطلاعات بازار، ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی، هزینه و زمان بالای حمل و نقل و تشریفات گمرکی، کمبود خدمات تخصصی



صادرات، ضعف برندسازی و شبکه توزیع خارجی، دشواری انطباق محصول با استانداردهای بازارهای هدف و پراکندگی حمایت‌ها از مهم‌ترین موانع توسعه صادرات استان به شمار می‌روند هم‌زمان، تحریم‌ها، نوسانات ارزی، محدودیت مبادلات مالی، ناترازی انرژی، کمبود آب، احتمال انسداد مسیرهای تجاری و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، ضرورت پیوند سیاست توسعه صادرات با تاب‌آوری تولید و تجارت را افزایش داده است.

چارچوب پیشنهادی گزارش بر گذار از اقدامات پراکنده، مقطعی و نمایشگاه‌محور به یک نظام منسجم توسعه صادرات با محوریت بنگاه، زنجیره ارزش و بازار هدف استوار است. در این الگو، یک سازوکار دائمی برای راهبری صادرات استان با مشارکت دولت و اتاق تهران و دستگاه‌های اجرایی و پشتیبان تشکیل می‌شود و دبیرخانه آن در اتاق تهران استقرار می‌یابد. نقش دولت رفع موانع نهادی و مقرراتی، تأمین زیرساخت، ثبات بخشی به محیط کسب و کار، تسهیل تجارت و توسعه ابزارهای مالی و ضمانتی متمرکز بوده و اتاق تهران به عنوان حلقه اتصال بنگاه‌ها با شبکه خدمات صادراتی، مسئول شناسایی و ارزیابی بنگاه‌های آماده صادرات، سازمان‌دهی خدمات تخصصی، انتقال مسائل بخش خصوصی، توسعه ارتباط با خریداران و اتاق‌های خارجی و پایش اجرای برنامه‌ها خواهد بود.

اجرای این رویکرد مستلزم تمرکز منابع بر تعداد محدودی زنجیره ارزش و بازار هدف، شناسایی بنگاه‌های دارای ظرفیت واقعی صادرات، تدوین نقشه الزامات فنی و مقرراتی هر بازار، اعزام هیئت‌های تجاری خریدارمحور و توسعه کنسرسیوم‌ها و شرکت‌های مدیریت صادرات است. تکمیل خدمات بند خشک آپرین، طراحی کريدورهاى تخصصى لجستیکى، توسعه زنجیره سرد و مسیرهای سبز گمرکی، تأمین سرمایه در گردش، بیمه اعتبار خریدار و پوشش ریسک‌های سیاسی و تجاری، تسهیل ثبت محصول و مالکیت فکری شرکت‌های دانش‌بنیان، استمرار تأمین نهاده‌های راهبردی، نوسازی فناوری و ارتقای بهره‌وری تولید، از دیگر اجزای این برنامه محسوب می‌شوند. در کنار این اقدامات، ثبات مقررات، تأمین پایدار انرژی صنایع صادرات‌گرا، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و نیروگاه‌های مقیاس کوچک، بازچرخانی آب و استفاده از پساب تصفیه‌شده، تدوین سناریوهای اختلال تجارت و پیش‌بینی مسیرهای جایگزین حمل‌ونقل و پرداخت، برای حفظ تولید و ایفای تعهدات صادراتی ضروری است. تحقق این مجموعه سیاست‌ها می‌تواند ضمن افزایش ارزش، تنوع و پیچیدگی صادرات استان، سهم بنگاه‌های کوچک، دانش‌بنیان و خدمات حرفه‌ای را گسترش دهد، تاب‌آوری تجارت را در برابر شوک‌ها تقویت کند و جایگاه استان تهران را از یک مرکز عمدتاً اداری و تجاری به یک محور سازمان‌یافته برای توسعه صادرات با ارزش افزوده بالا ارتقا دهد.

Executive Summary

Province of Tehran is considered one of the country's key centers for the development of non-oil exports due to its concentration of population, production and service activities, transportation and logistics infrastructure, large industrial and knowledge-based companies, as well as trade-supporting institutions. With a population of more than 14 million and accounting for 21.1 percent of the country's total value added, the province has the largest provincial economy in Iran, with an economic size exceeding the combined gross domestic product of 17 provinces. Located at the center of the country's transportation network and benefiting from three customs offices, two airports, an extensive railway network, and access to facilities such as the Aprin Dry Port, the province provides a suitable platform for connecting production units to domestic and international markets.

The economic structure of the province relies more on industrial, commercial, and service activities than on the extraction of natural resources. Industry, accounting for 20.4 percent of the province's value added, occupies the central position, followed by wholesale and retail trade and the repair of motor vehicles with a 15.4 percent share, and real estate activities with a 14.7 percent share. In contrast, mining and quarrying account for only 0.2 percent of the province's value added.

Tehran's industrial structure is characterized by considerable diversity and relative depth; however, its production and employment are concentrated in a limited number of major industries. Fabricated metal products, machinery and equipment, and food products account for the largest number of industrial establishments, while the manufacture of motor vehicles, with a 29 percent share, constitutes the province's most important source of industrial value added. The concentration of employment in the motor vehicle, food, machinery, and fabricated metal industries indicates the formation of an industrial core based on automobile manufacturing, auto parts production, machinery manufacturing, and intermediate industries. Nevertheless, the high dependence on a limited number of large industries increases the vulnerability of production and employment to demand shocks and policy changes. The results of the calculated location quotient also indicate the province's relative specialization in industries such as printing and reproduction of recorded media, motor vehicles, apparel, furniture, computer and electronic products, leather, machinery, pharmaceuticals, fabricated metal products, electrical equipment, and food industries. Accordingly, pharmaceuticals and medical equipment, machinery and industrial equipment, processed food industries, electrical equipment, and knowledge-based and technology-intensive products constitute the most important value chains with the potential to expand exports and generate higher value added.

The value of goods exported through Tehran Province's customs offices reached approximately USD 2 billion in 1403 (2024/25), representing an 18.7 percent increase compared with 1402 (2023/24). During the first ten months of 1404 (2025/26), approximately USD 1.4 billion of exports were registered through the province's customs offices. Nevertheless, the geographical composition of exports reveals a high concentration in a limited number of markets. During the first ten months of 1404, Kenya, Türkiye, and Iraq together accounted for more than 56 percent of the registered export value. This concentration makes the province's exports vulnerable to political, commercial, exchange rate, and logistical developments in destination markets.

An assessment of export capacities and gaps indicates that the province's principal challenge is not a shortage of production, industrial, or service capabilities, but rather the inability to transform these capacities into a sustained and competitive presence in international markets. Exchange rate, trade, and tax

policy instability; frequent regulatory changes; difficulties in financing and money transfers; limited insurance and guarantee coverage; inadequate market intelligence; lack of coordination among executive agencies; the high cost and time required for transportation and customs procedures; insufficient specialized export services; weak branding and overseas distribution networks; difficulties in complying with target market standards; and fragmented support mechanisms constitute the principal barriers to export development in the province. At the same time, sanctions, exchange rate volatility, restrictions on financial transactions, energy imbalances, water scarcity, the potential disruption of trade routes, and rising geopolitical risks have heightened the need to integrate export development policy with production and trade resilience.

The report's proposed framework is based on a transition from fragmented, short-term, and exhibition-oriented initiatives toward an integrated export development system centered on firms, value chains, and target markets. Under this model, a permanent mechanism for managing the province's export development will be established with the participation of the government, the Tehran Chamber of Commerce, and executive and supporting agencies, while its secretariat will be located at the Tehran Chamber of Commerce. The government's role will focus on removing institutional and regulatory barriers, providing infrastructure, ensuring a stable business environment, facilitating trade, and developing financial and guarantee instruments. The Tehran Chamber of Commerce, acting as the link between firms and the export services network, will be responsible for identifying and evaluating export-ready firms, organizing specialized export services, communicating private sector concerns, expanding relations with foreign buyers and chambers of commerce, and monitoring the implementation of export development programs.

The implementation of this approach requires concentrating resources on a limited number of value chains and target markets, identifying firms with genuine export potential, preparing technical and regulatory requirement maps for each target market, dispatching buyer-oriented trade delegations, and developing export consortia and export management companies. Completing the services of the Aprin Dry Port, designing specialized logistics corridors, expanding cold chain infrastructure and green customs corridors, providing working capital, buyer credit insurance, and political and commercial risk coverage, facilitating product registration and intellectual property protection for knowledge-based companies, ensuring the continuous supply of strategic inputs, modernizing technology, and improving production productivity constitute additional components of this program. Alongside these measures, regulatory stability, reliable energy supply for export-oriented industries, the development of renewable energy and small-scale power plants, water recycling and the use of treated wastewater, the preparation of trade disruption scenarios, and the identification of alternative transportation and payment routes are essential to maintaining production and fulfilling export commitments. The implementation of this package of policies can increase the value, diversity, and sophistication of the province's exports, expand the participation of small enterprises, knowledge-based firms, and professional service providers, strengthen trade resilience against external shocks, and elevate Tehran Province's position from a predominantly administrative and commercial center to an organized hub for the development of high value-added exports.



فهرست مطالب

۱. مشخصات عمومی و اقتصادی استان تهران	۹
۱-۱. شناخت موقعیت جغرافیایی، تقسیمات سیاسی، طبیعی و جمعیتی	۹
۱-۲. شناخت زیرساخت‌های تولید، حمل و نقل، لجستیک و خدمات پشتیبان صادرات	۱۰
۱-۳. شناخت جایگاه کلان استان در اقتصاد ملی و منطقه‌ای	۱۱
۱-۴. شناخت وضعیت بازار کار استان	۱۳
۲. ویژگی‌های ساختاری بخش صنعت استان تهران	۱۶
۲-۱. توزیع فعالیت‌های صنعتی استان تهران بر اساس رشته فعالیت	۱۶
۲-۲. سهم رشته‌های فعالیت صنعتی از ارزش افزوده بخش صنعت استان تهران	۱۷
۲-۳. وضعیت رشته فعالیت‌های صنعتی بر حسب اشتغال استان	۱۸
۲-۴. سنجش تخصص صنعتی استان تهران بر اساس شاخص ضریب مکانی (LQ)	۱۹
۲-۵. جمع‌بندی مزیت‌های نسبی و ساختار صنعتی استان تهران	۲۲
۳. ویژگی‌های ساختاری بخش معدن استان تهران	۲۳
۴. تحلیل وضعیت تجارت خارجی استان تهران	۲۳
۴-۱. صادرات استان بر حسب کالا و مقاصد صادراتی	۲۳
۴-۲. واردات استان بر حسب کالا و مبادی وارداتی	۲۵
۵. جایگاه استان در اسناد فرادستی و آمایش سرزمین	۲۶
۵-۱. چشم‌انداز توسعه استان	۲۶
۵-۲. اولویت‌های صنعتی، معدنی و بازرگانی استان تهران	۲۷
۶. ارزیابی ظرفیت‌ها و شکاف‌های توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران	۳۰
۷. آسیب‌شناسی صادرات غیرنفتی استان تهران	۳۳
۸. مدل همکاری دولت و اتاق بازرگانی	۳۷
۹. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و سیاستی	۴۱
منبع	۴۶

مقدمه

گزارش حاضر با معرفی ویژگی‌های عمومی و اقتصادی استان تهران، شامل موقعیت جغرافیایی، ساختار جمعیتی، زیرساخت‌های تولید، حمل‌ونقل و لجستیک، جایگاه استان در اقتصاد ملی و وضعیت بازار کار آغاز می‌شود. سپس، ساختار بخش صنعت از منظر توزیع فعالیت‌ها، ارزش‌افزوده، اشتغال، تخصص صنعتی و مزیت‌های نسبی و همچنین ویژگی‌های بخش معدن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، وضعیت تجارت خارجی استان از جنبه صادرات، واردات و بازارهای هدف تحلیل شده و جایگاه استان در اسناد فرادستی، آمایش سرزمین و اولویت‌های توسعه صنعتی، معدنی و بازرگانی تبیین می‌شود. در بخش‌های پایانی نیز ظرفیت‌ها و شکاف‌های توسعه صادرات غیرنفتی، چالش‌های پیش‌روی صادرات، الگوی پیشنهادی همکاری میان دولت و اتاق بازرگانی و در نهایت، مجموعه‌ای از پیشنهادهای سیاستی و اجرایی برای توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران ارائه می‌شود.

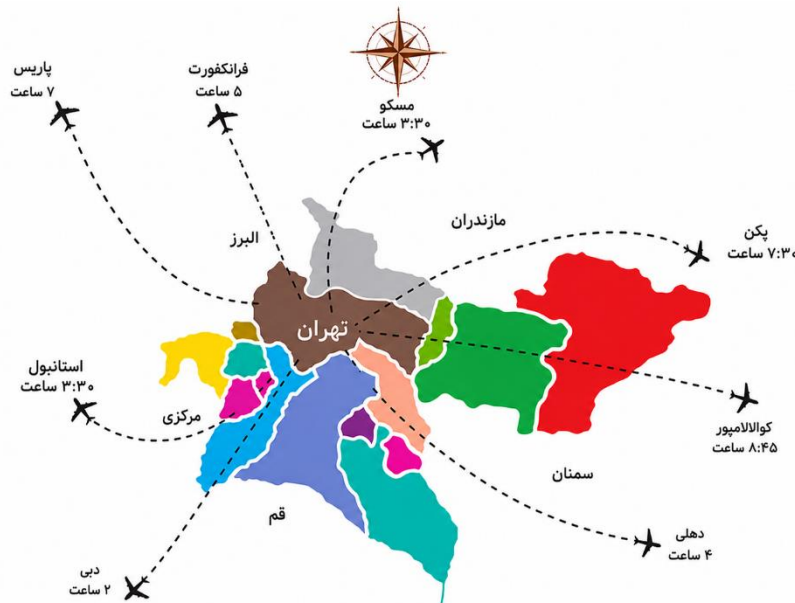




۱. مشخصات عمومی و اقتصادی استان تهران

۱-۱. شناخت موقعیت جغرافیایی، تقسیمات سیاسی، طبیعی و جمعیتی

استان تهران دارای مساحت ۱۳۶۴۰ کیلومتر مربع در شمال فلات مرکزی ایران واقع شده و حدود ۰.۸۳ درصد از کل مساحت ایران را شامل می‌شود (مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان تهران، ۱۴۰۴). استان تهران با قرارگیری در مرکز شبکه ارتباطی ایران، از شمال به استان مازندران، از شرق به استان سمنان، از غرب به استان البرز، از جنوب غرب به استان مرکزی و از جنوب شرق به استان قم محدود می‌شود.



عکس ۱: موقعیت جغرافیایی استان تهران و فاصله آن با شهرهای مهم دنیا برحسب ساعت

منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان تهران

مطابق آخرین تقسیمات کشوری، استان تهران مشتمل بر ۱۶ شهرستان، ۵۳ بخش، ۷۳ دهستان و ۴۹ شهر است. این استان به دلیل قرارگیری در حد فاصل ارتفاعات البرز مرکزی و حاشیه غربی دشت کویر، از ساختار طبیعی و اقلیمی متنوعی برخوردار است. اختلاف قابل توجه ارتفاع در گستره استان، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری تنوع اقلیمی آن محسوب می‌شود (سالنامه آماری استان تهران، ۱۴۰۳). بر این اساس، شرایط اقلیمی استان از اقلیم‌های بیابانی و نیمه‌خشک در نواحی جنوبی تا اقلیم‌های نیمه‌مرطوب و مرطوب در دامنه‌های شمالی متغیر است.

استان تهران با جمعیتی بالغ بر ۱۴ میلیون نفر، رتبه نخست کشور را از نظر جمعیت به خود اختصاص داده و به‌عنوان مهم‌ترین قطب جمعیتی و اقتصادی ایران، نقش محوری در تولید، تجارت و ارائه خدمات ایفا می‌کند. طی پنج سال گذشته، نرخ رشد جمعیت استان به‌طور متوسط ۰.۹ درصد بوده است. در عین حال، قرار گرفتن استان در رتبه بیست‌وششم کشور از نظر جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۴، نشان‌دهنده تغییرات تدریجی ساختار سنی و حرکت به سمت سالمندی جمعیت^۱ است. نسبت جمعیت

^۱ سهم جمعیت کمتر از ۱۵ سال نسبت به کل جمعیت را جوانی جمعیت می‌گویند.

[illegible]

منبع: مرکز آمار

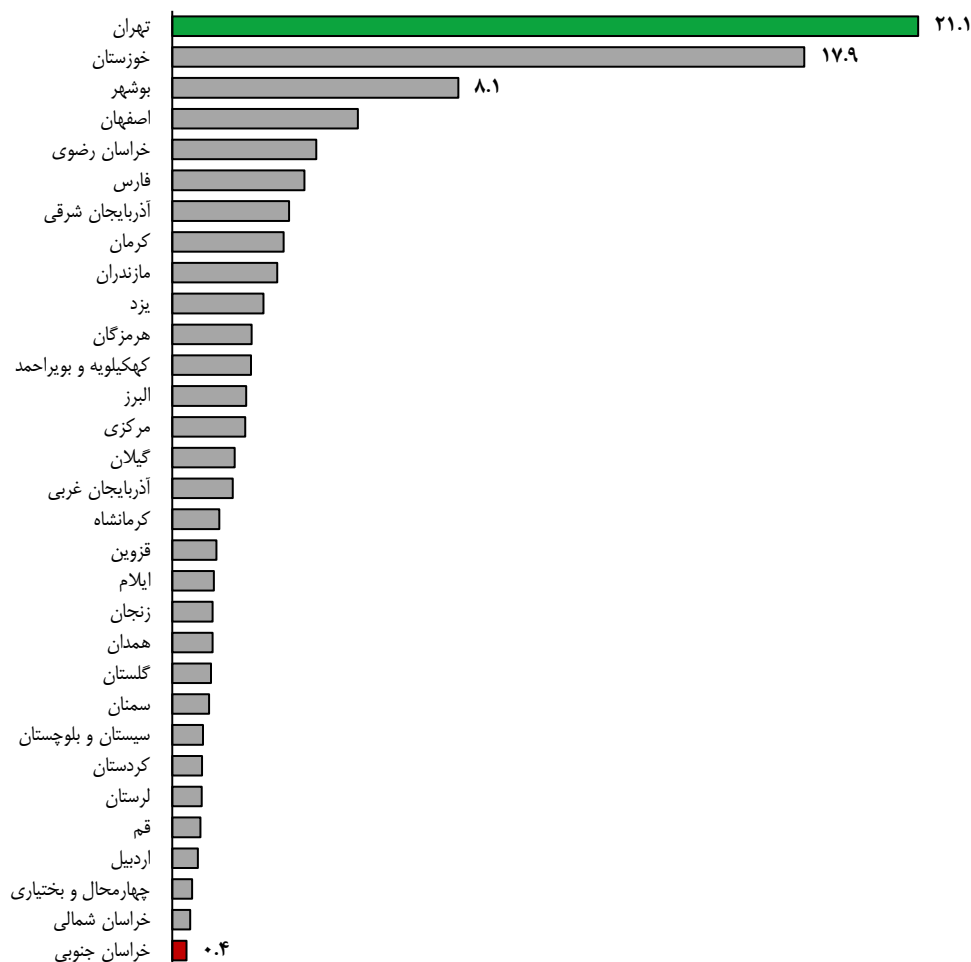
۲-۱. شناخت زیرساخت‌های تولید، حمل و نقل، لجستیک و خدمات پشتیبان صادرات

10.



۱-۳. شناخت جایگاه کلان استان در اقتصاد ملی و منطقه‌ای

استان تهران با سهم ۲۱.۱ درصدی از ارزش افزوده کل کشور، در جایگاه نخست اقتصادهای استانی قرار دارد و بر پایه نتایج حساب‌های منطقه‌ای سال ۱۴۰۱، این استان بالاترین سطح تولید ناخالص داخلی را در میان استان‌های کشور به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که اندازه اقتصاد آن از تولید ناخالص داخلی ۱۷ استان کشور بیشتر برآورد شده است. این تمرکز قابل توجه ارزش افزوده، بازتاب‌دهنده وزن بالای بخش‌های خدماتی، صنعتی، مالی، حمل و نقل، بازرگانی و اقتصاد دانش بنیان در ساختار تولید استان است و ظرفیت بالقوه بالایی برای شکل‌گیری پیوندهای بین بخشی، توسعه زنجیره‌های ارزش و گسترش صادرات غیرنفتی فراهم می‌کند. در مقابل، قرار گرفتن استان‌های خوزستان و بوشهر در رتبه‌های دوم و سوم، عمدتاً از غلبه فعالیت‌های مبتنی بر استخراج نفت و گاز و صنایع انرژی‌بر در ساختار اقتصادی این دو استان ناشی می‌شود. در نمودار (۱)، جایگاه استان تهران از منظر سهم در تولید ارزش افزوده کشور در مقایسه با سایر استان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.^۲



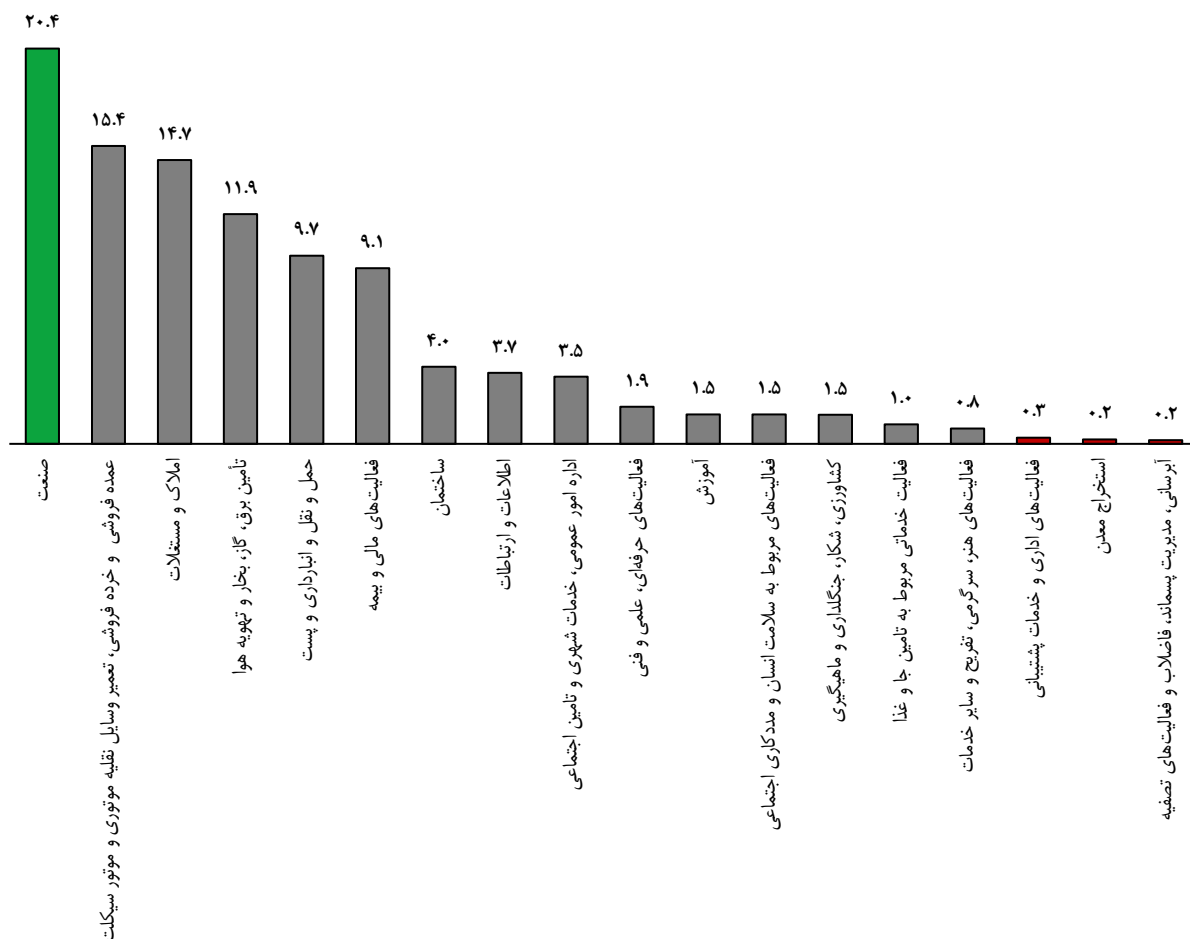
نمودار ۱. مقایسه سهم استان تهران و سایر استان‌ها از ارزش افزوده کل کشور در سال ۱۴۰۱ - درصد

منبع: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی

^۲ داده‌ها و اطلاعات ارائه شده در این بخش، بر مبنای آخرین نسخه منتشرشده در تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ گردآوری شده و در زمان تدوین گزارش، جدیدترین آمار رسمی در دسترس محسوب می‌شوند.



ساختار ارزش افزوده استان تهران، در مقایسه با الگوی اقتصاد ملی، از ویژگی‌های متمایزی برخوردار است. در میان بخش‌های اقتصادی، بخش صنعت با اختصاص ۲۰.۴ درصد از کل ارزش افزوده استان، جایگاه محوری در ساختار اقتصادی تهران دارد. سهم این بخش اندکی کمتر از میانگین کشوری (۲۳ درصد) است، اما نشان‌دهنده نقش برجسته فعالیت‌های صنعتی، تولیدی و صنایع تبدیلی در ایجاد ارزش افزوده و تقویت زنجیره‌های تولید و تأمین استان است. در مقابل، سهم بخش استخراج معدن از ارزش افزوده استان تنها ۰.۲ درصد برآورد می‌شود که در مقایسه با میانگین کشوری، سهمی بسیار محدود محسوب می‌شود. این وضعیت، بازتاب‌دهنده اتکای کمتر اقتصاد استان به فعالیت‌های مبتنی بر استخراج منابع طبیعی است. پس از بخش صنعت، فعالیت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت با سهم ۱۵.۴ درصدی، دومین بخش بزرگ از نظر ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد استان به شمار می‌رود. همچنین، فعالیت‌های مرتبط با املاک و مستغلات با سهم ۱۴.۷ درصدی در رتبه بعدی قرار دارند. ترکیب بخشی ارزش افزوده استان تهران حاکی از آن است که مزیت‌های رقابتی این استان بیش از آنکه بر بهره‌برداری از منابع طبیعی استوار باشد، بر توسعه فعالیت‌های صنعتی، تجاری و خدماتی با ارزش افزوده بالا استوار است؛ موضوعی که ظرفیت‌های قابل توجهی برای توسعه زنجیره‌های ارزش، ارتقای بهره‌وری و گسترش صادرات غیرنفتی فراهم می‌آورد. در نمودار (۲)، سهم رشته فعالیت‌های اقتصادی از کل ارزش افزوده استان تهران به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰ ارائه شده است.



نمودار ۲. سهم رشته‌های فعالیت اقتصادی از کل ارزش افزوده استان تهران در سال ۱۴۰۱ - درصد

منبع: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی

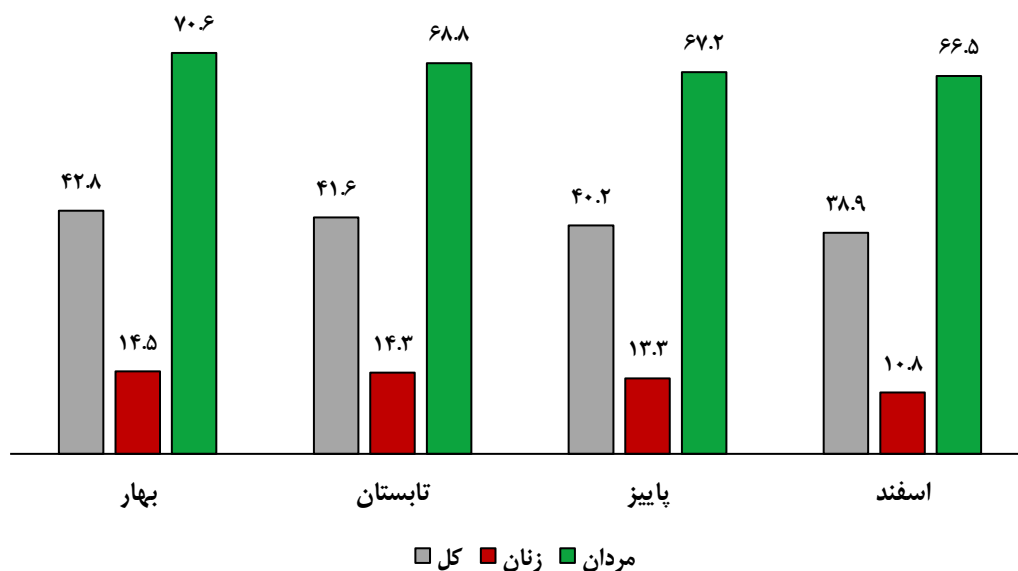


بر اساس نمودار ۲، سهم اندک بخش‌های کشاورزی و معدن، ضرورت طراحی مداخلات سیاستی برای تنوع‌بخشی به پایه‌های رشد اقتصادی، فعال‌سازی ظرفیت‌های مغفول و تقویت پیوندهای بین‌بخشی را آشکار می‌سازد؛ رویکردی که می‌تواند آسیب‌پذیری ساختار تولید را کاهش داده و تاب‌آوری اقتصاد استان را افزایش دهد.

۴-۱. شناخت وضعیت بازار کار استان

نرخ مشارکت اقتصادی، به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی بازار کار، بیانگر نسبت جمعیت فعال اقتصادی (شاغلان و بیکاران) به جمعیت در سن کار است. بررسی تحولات این شاخص در استان تهران حاکی از آن است که نرخ مشارکت اقتصادی از ۴۲.۸ درصد در بهار ۱۴۰۴ به ۳۸.۹ درصد در اسفند همان سال کاهش یافته است. این روند، کاهش حضور جمعیت در سن کار در بازار کار و افزایش سهم جمعیت غیرفعال را نشان می‌دهد که می‌تواند ناشی از مجموعه‌ای از عوامل از جمله محدودیت فرصت‌های شغلی، تداوم عدم انطباق مهارت‌ها با نیاز بازار و کاهش انگیزه مشارکت اقتصادی باشد. استمرار این وضعیت، علاوه بر کاهش عرضه مؤثر نیروی کار، می‌تواند بر ظرفیت تولید، بهره‌وری عوامل تولید و توان رقابت‌پذیری اقتصاد استان اثرگذار باشد.

از سوی دیگر، بررسی نرخ مشارکت اقتصادی به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد که شکاف قابل‌توجهی میان زنان و مردان در بازار کار استان تهران همچنان پابرجاست. به‌گونه‌ای که در اسفند ۱۴۰۴، نرخ مشارکت اقتصادی زنان تنها ۱۰.۸ درصد بوده است. این وضعیت بیانگر بهره‌برداری محدود از ظرفیت سرمایه انسانی زنان و یکی از چالش‌های ساختاری بازار کار استان به شمار می‌رود.



نمودار ۳. نرخ مشارکت اقتصادی استان تهران در سال ۱۴۰۴ - درصد

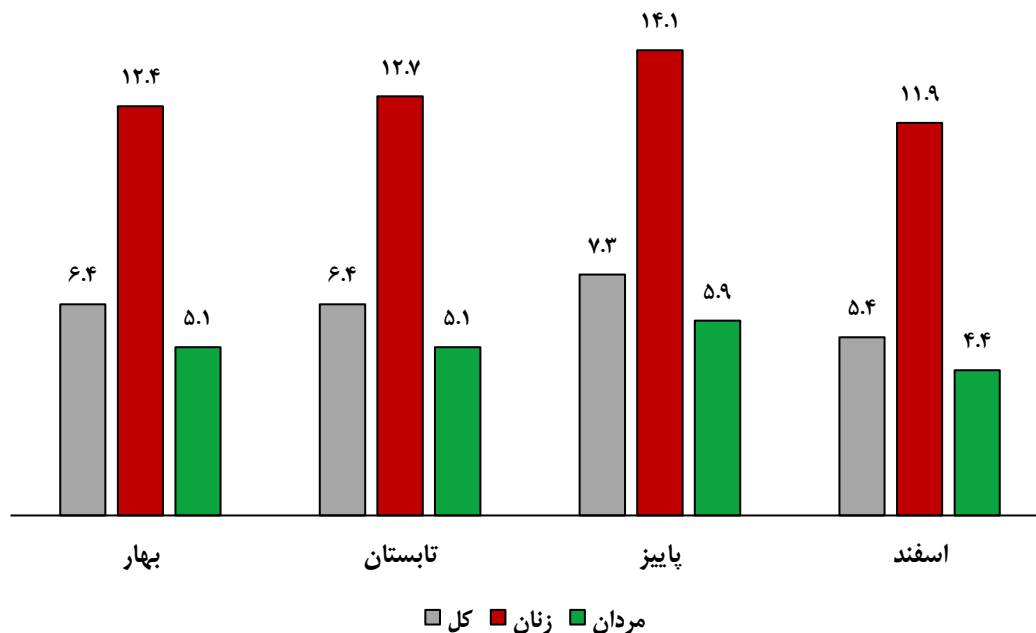
منبع: مرکز آمار



با توجه به نقش سرمایه انسانی در ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری بنگاه‌های صادرات‌محور، بهبود نرخ مشارکت اقتصادی، به‌ویژه افزایش مشارکت زنان و نیروهای متخصص، یکی از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار صادرات غیرنفتی و تقویت جایگاه رقابتی استان تهران در بازارهای داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود.

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، نرخ بیکاری استان تهران در اسفند ۱۴۰۴ به ۵.۴ درصد کاهش یافته است. با این حال، تفسیر این کاهش مستلزم بررسی هم‌زمان سایر شاخص‌های بازار کار است. کاهش نرخ بیکاری در شرایطی که نرخ مشارکت اقتصادی نیز طی همین دوره روندی نزولی داشته، لزوماً به معنای بهبود عملکرد بازار کار نیست؛ زیرا خروج بخشی از جمعیت فعال از بازار کار و افزایش جمعیت غیرفعال می‌تواند به کاهش ظاهری نرخ بیکاری منجر شود، بدون آنکه افزایش اشتغال یا بهبود ظرفیت جذب نیروی کار در اقتصاد استان رخ داده باشد. از این‌رو، ارزیابی وضعیت بازار کار باید بر مبنای مجموعه‌ای از شاخص‌ها، از جمله نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال و کیفیت فرصت‌های شغلی، صورت گیرد. از سوی دیگر، تحولات اقتصادی ناشی از درگیری‌های نظامی اخیر و تشدید نااطمینانی‌های اقتصادی، در کنار اختلال در فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، محدودیت‌های اینترنت و کاهش تقاضا در برخی بازارها، زمینه کاهش فعالیت‌های تولیدی و خدماتی را فراهم کرده و بر ظرفیت ایجاد اشتغال در استان اثر منفی گذاشته است. تداوم چنین شرایطی می‌تواند سرمایه‌گذاری، توسعه بنگاه‌ها و پویایی بازار کار را با محدودیت مواجه ساخته و در نهایت بر توان رقابت‌پذیری اقتصاد استان و ظرفیت توسعه صادرات تأثیرگذار باشد.

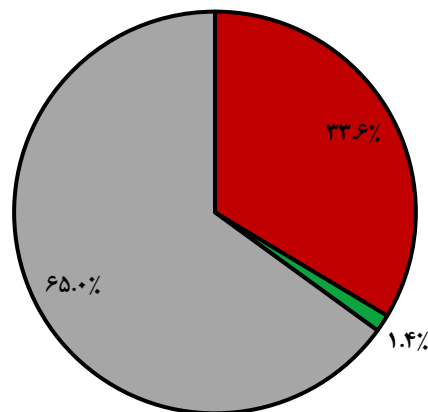
همچنین، بررسی شاخص‌های بازار کار به تفکیک جنسیت نشان‌دهنده تداوم شکاف قابل توجه میان نرخ بیکاری زنان و مردان در استان تهران است. این وضعیت بیانگر وجود موانع ساختاری در دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی و مشارکت مؤثر در فعالیت‌های اقتصادی بوده و موجب افزایش آسیب‌پذیری آنان در برابر شوک‌های اقتصادی می‌شود.



نمودار ۴. نرخ بیکاری استان تهران در سال ۱۴۰۴ - درصد
منبع: مرکز آمار



بررسی ترکیب بخشی اشتغال نیز بیانگر تداوم غلبه بخش خدمات بر بازار کار استان تهران است. سهم بخش خدمات از کل اشتغال استان تهران در اسفند ۱۴۰۴ با افزایش ۱۶ واحد درصدی نسبت به فصل مشابه سال قبل به ۵۳.۲ درصد رسیده؛ در حالی که سهم بخش کشاورزی با ۰.۲ واحد درصد کاهش به ۱.۴ درصد رسیده است. اگرچه گسترش اشتغال در بخش خدمات، در صورت تمرکز بر خدمات دانش بنیان، مالی، لجستیکی و سایر خدمات با ارزش افزوده بالا، می تواند به ارتقای بهره‌وری و تقویت رقابت پذیری اقتصاد استان منجر شود، اما افزایش سهم خدمات کم بهره‌ور، در صورت همزمانی با کاهش سهم فعالیت های تولیدی، می تواند نشانه ای از تضعیف ظرفیت های مولد اقتصاد و کاهش توان ایجاد ارزش افزوده پایدار باشد. سهم پایین بخش کشاورزی در اشتغال استان نیز نمایانگر محدودیت نسبی ظرفیت های اشتغال زایی در فعالیت های کشاورزی استان تهران است؛ وضعیتی که متأثر از عواملی نظیر محدودیت منابع آب، کاهش اراضی کشاورزی در اثر گسترش شهرنشینی، توسعه فعالیت های صنعتی و خدماتی و همچنین تغییر الگوی تخصیص نیروی کار میان بخش های اقتصادی است. سهم بخش صنعت در اشتغال نیز با افت ۱.۴ واحد درصدی به ۳۳.۶ درصد رسیده است. با وجود این، بخش صنعت همچنان یکی از ارکان اصلی اشتغال و تولید در استان محسوب می شود. اهمیت این بخش ایجاب می کند تمرکز بر افزایش بهره‌وری، نوآوری فناوری، ارتقای ارزش افزوده تولیدات و بهبود ارتباطات میان بنگاه ها و موسسات تحقیقاتی حفظ شود تا از افت اشتغال در صنایع سنتی جلوگیری به عمل آید. علاوه بر این، لازم است توجه ویژه ای به ساختار مناطق صنعتی، سطح سرمایه گذاری بخش خصوصی و دسترسی به بازارها صورت گیرد تا ظرفیت اشتغال زایی پایدار در بخش صنعت تقویت گردد.



■ خدمات ■ کشاورزی ■ صنعت

نمودار ۵. ترکیب اشتغال در بخش های اقتصادی استان تهران در اسفند ۱۴۰۴ - درصد

منبع: مرکز آمار

در مجموع، با توجه به جایگاه اشتغال به عنوان یکی از مهم ترین شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی، ضروری است سیاست های اقتصادی، برنامه های توسعه ای و نظام بودجه ریزی استان بر پایه تحولات بازار کار و با هدف ایجاد فرصت های شغلی مولد و پایدار طراحی و اجرا شوند. هم سویی این سیاست ها با نیازهای واقعی اقتصاد استان، زمینه بهره گیری مؤثرتر از ظرفیت های تولیدی و سرمایه انسانی را فراهم خواهد کرد.



۲. ویژگی‌های ساختاری بخش صنعت استان تهران

۲-۱. توزیع فعالیت‌های صنعتی استان تهران بر اساس رشته فعالیت

توزیع بنگاه‌های صنعتی بر پایه رشته فعالیت، یکی از شاخص‌های کلیدی در تحلیل ساختار صنعتی استان محسوب می‌شود و تصویری از تمرکز فعالیت‌های تولیدی، میزان تنوع صنعتی و حوزه‌های دارای ظرفیت توسعه را ارائه می‌کند.^۳ بر اساس نمودار (۶) و نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر در سال ۱۴۰۲، رشته فعالیت ساخت محصولات فلزی، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات با ۱،۰۴۲ بنگاه و سهم ۱۴.۱ درصدی از کل واحدهای صنعتی استان، بزرگ‌ترین گروه صنعتی تهران را تشکیل می‌دهد. تمرکز بالای بنگاه‌ها در این رشته، بیانگر شکل‌گیری شبکه‌ای گسترده از صنایع فلزکاری، قطعه‌سازی و صنایع پایین‌دستی فلزی است که علاوه بر تأمین نیاز صنایع داخلی، ظرفیت مناسبی برای حضور در زنجیره تأمین صنایع صادرات‌محور، به‌ویژه در حوزه‌های ساختمان و تجهیزات صنعتی، فراهم کرده است. پس از آن، رشته فعالیت ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات با ۸۲۶ بنگاه و سهم ۱۱.۲ درصدی، در جایگاه دوم قرار دارد. تمرکز بنگاه‌ها در این حوزه، نشان‌دهنده برخورداری استان از ظرفیت‌های قابل‌توجه در طراحی، مهندسی، ساخت تجهیزات صنعتی و تولید قطعات تخصصی است؛ ظرفیتی که در صورت توسعه فناوری، ارتقای استانداردهای تولید و تقویت نوآوری، می‌تواند زمینه افزایش سهم محصولات با فناوری متوسط و پیشرفته در سبد صادراتی استان را فراهم سازد.



نمودار ۶. سهم تعداد رشته فعالیت‌های صنعتی از کل استان تهران در سال ۱۴۰۲ - درصد

منبع: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی

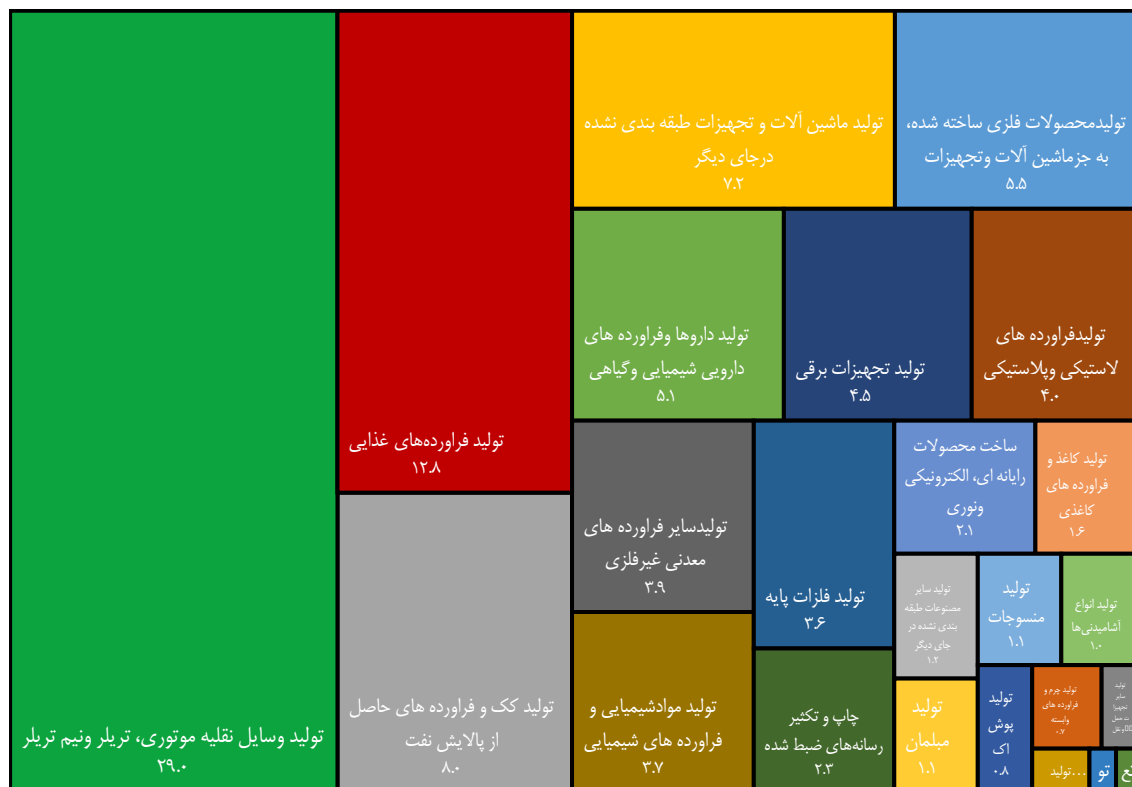
^۳ داده‌ها و اطلاعات ارائه‌شده در این بخش، بر مبنای آخرین نسخه منتشرشده در تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۵ گردآوری شده و در زمان تدوین گزارش، جدیدترین آمار رسمی در دسترس محسوب می‌شوند.



همچنین بر اساس نمودار ۶، صنعت ساخت محصولات غذایی با ۶۶۵ بنگاه و سهم ۹ درصدی از کل واحدهای صنعتی، سومین رشته فعالیت مهم استان به شمار می‌رود. استقرار این تعداد بنگاه، بیانگر جایگاه قابل توجه صنایع غذایی و فرآوری محصولات کشاورزی در اقتصاد صنعتی تهران است. بهره‌مندی از بازار مصرف گسترده، دسترسی به شبکه‌های توزیع، زیرساخت‌های حمل و نقل و ظرفیت‌های بسته‌بندی و فرآوری، مزیت‌های مهم این صنعت محسوب می‌شود که می‌تواند زمینه توسعه صادرات محصولات غذایی فرآوری شده و افزایش ارزش افزوده در زنجیره صنایع غذایی را فراهم کند.

۲-۲. سهم رشته‌های فعالیت صنعتی از ارزش افزوده بخش صنعت استان تهران

بررسی ترکیب ارزش افزوده بخش صنعت نشان می‌دهد که رشته فعالیت تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر با سهم ۲۹ درصدی، مهم‌ترین منبع ایجاد ارزش افزوده صنعتی در استان تهران است. در عین حال، تمرکز ۵۷ درصد از ارزش افزوده صنعتی در پنج رشته فعالیت و بیش از ۹۱ درصد آن در ۱۳ رشته فعالیت، حاکی از آن است که اگرچه اقتصاد صنعتی استان بر چند صنعت راهبردی استوار است، اما از تنوع قابل قبولی در ترکیب فعالیت‌های صنعتی نیز برخوردار است. این ویژگی، ظرفیت مناسبی برای توسعه خوشه‌های صنعتی، تعمیق پیوندهای پسین و پیشین، ارتقای فناوری و تنوع بخشی به سبد صادراتی استان فراهم می‌آورد. از این رو، جهت‌گیری سیاست‌های صنعتی باید معطوف به افزایش ارزش افزوده در صنایع پیشرو، تقویت صنایع مکمل و ارتقای توان رقابتی رشته‌های دارای ظرفیت رشد باشد تا امکان حضور مؤثرتر بنگاه‌های صنعتی استان در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی فراهم شود.

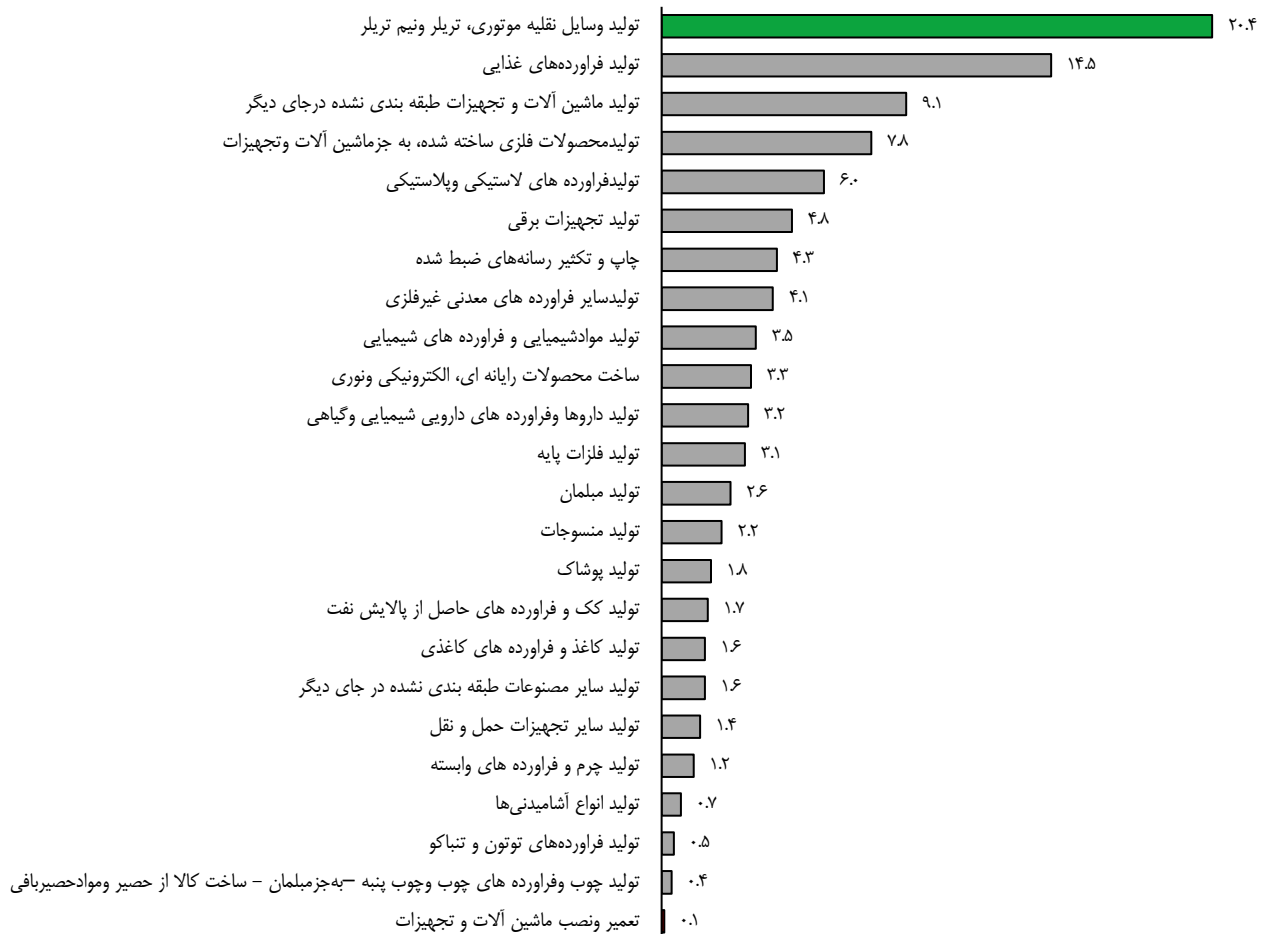


نمودار ۷. سهم ارزش افزوده رشته فعالیت‌های صنعتی از کل ارزش افزوده صنعتی استان تهران در سال ۱۴۰۲ - درصد
منبع: مرکز آمار و محاسبات کارشناسی



۲-۳. وضعیت رشته فعالیت‌های صنعتی بر حسب اشتغال استان

بر اساس نمودار (۸)، ساختار اشتغال صنعتی استان تهران از تمرکز قابل توجه نیروی کار در چند رشته فعالیت کلیدی حکایت دارد. رشته فعالیت تولید وسایل نقلیه موتوری با اشتغال ۱۰۰ هزار و ۷۷۷ نفر، معادل ۲۰.۴ درصد از کل شاغلان کارگاه‌های صنعتی دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، بزرگ‌ترین سهم را در اشتغال صنعتی استان به خود اختصاص داده است. این تمرکز، بیانگر وابستگی قابل توجه اشتغال صنعتی به این رشته فعالیت بوده و حساسیت بازار کار استان را نسبت به نوسانات تولید، تغییرات تقاضا و تحولات سیاستی صنعت خودرو افزایش می‌دهد. از طرفی رشته فعالیت تولید ماشین‌آلات و تجهیزات با ۴۴ هزار و ۷۵۲ نفر شاغل (۹.۱ درصد) و ساخت محصولات فلزی، به جز ماشین‌آلات و تجهیزات با ۳۸ هزار و ۳۶۲ نفر شاغل (۷.۸ درصد) قرار دارند. استقرار این سه رشته فعالیت در صدر اشتغال صنعتی، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک هسته صنعتی مبتنی بر صنایع فلزی، ماشین‌سازی و خودروسازی در استان تهران است. چنین ساختاری، ظرفیت مناسبی برای توسعه صنایع واسطه‌ای، تعمیق ساخت داخل، گسترش تولید قطعات و تجهیزات صنعتی و افزایش سهم محصولات با فناوری متوسط در سبد صادراتی استان فراهم می‌کند.



نمودار ۸. سهم اشتغال رشته فعالیت‌های صنعتی استان تهران در سال ۱۴۰۲ - درصد

منبع: مرکز آمار



صنایع تولید محصولات غذایی با اشتغال ۷۱ هزار و ۲۸۴ نفر و سهم ۱۴.۵ درصدی از کل شاغلان کارگاه‌های صنعتی فعال، پس از صنعت وسایل نقلیه، دومین حوزه اشتغال‌زای صنعت استان تهران محسوب می‌شود. سهم بالای این رشته فعالیت، بیانگر جایگاه آن در ایجاد اشتغال صنعتی و برخورداری از تقاضای نسبتاً پایدار در بازار مصرف است؛ که موجب شده این صنعت در مقایسه با بسیاری از فعالیت‌های صنعتی، نوسانات اشتغال کمتری را تجربه کند. علاوه بر این، حضور صنایع لاستیک و پلاستیک، تجهیزات برقی و محصولات کانی غیرفلزی با سهم‌های قابل توجه، از تنوع نسبی ساختار صنعتی استان و شکل‌گیری شبکه‌ای از صنایع واسطه‌ای و پشتیبان حکایت دارد.

در مقابل، صنایع با فناوری بالاتر، از جمله ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری با ۱۶ هزار و ۳۶۳ نفر شاغل (۳.۳ درصد) و صنایع شیمیایی و دارویی با ۱۵ هزار و ۸۳۰ نفر شاغل (۳.۲ درصد)، هنوز سهم محدودی در اشتغال صنعتی استان دارند. این در حالی است که این صنایع، به دلیل بهره‌وری بالاتر، شدت فناوری بیشتر و ظرفیت بالای نوآوری، از مهم‌ترین پیشران‌های تحول ساختار صنعتی در اقتصادهای پیشرفته محسوب می‌شوند.

در مجموع، ترکیب اشتغال صنعتی استان تهران نشان می‌دهد که اگرچه صنایع بزرگ و اشتغال‌بر همچنان ستون فقرات بازار کار صنعتی استان را تشکیل می‌دهند، اما استمرار رشد صنعتی در بلندمدت مستلزم حرکت تدریجی به سمت توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان، ارتقای فناوری تولید، تقویت صنایع با ارزش‌افزوده بالاتر و افزایش پیوندهای فنی میان رشته‌فعالیت‌های صنعتی است. چنین رویکردی، ضمن حفظ ظرفیت اشتغال موجود، زمینه ارتقای کیفیت اشتغال و افزایش بهره‌وری بخش صنعت را نیز فراهم خواهد ساخت.

۲-۴. سنجش تخصص صنعتی استان تهران بر اساس شاخص ضریب مکانی (LQ)

ضریب مکانی (LQ)^۴ یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصاد منطقه‌ای، جغرافیای اقتصادی و برنامه‌ریزی توسعه است که برای سنجش میزان تمرکز یا تخصص یک فعالیت اقتصادی در یک منطقه نسبت به کل کشور به کار می‌رود. این شاخص به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا مزیت‌های نسبی، فعالیت‌های پایه و بخش‌های دارای قابلیت توسعه را شناسایی کنند. این شاخص از نسبت سهم یک رشته فعالیت از کل یک متغیر اقتصادی (مانند ارزش‌افزوده، اشتغال، تعداد بنگاه‌ها یا تولید) در منطقه، به سهم همان رشته فعالیت از کل همان متغیر در سطح کشور محاسبه می‌شود. به بیان دیگر، ضریب مکانی نشان می‌دهد که آیا یک رشته فعالیت در ساختار اقتصادی یک منطقه، نسبت به میانگین کشور از تمرکز بیشتری برخوردار است یا خیر.

به‌عنوان نمونه، اگر ضریب مکانی یک رشته فعالیت صنعتی برابر با ۱ باشد، سهم آن رشته فعالیت در اقتصاد استان با سهم آن در اقتصاد کشور یکسان است. در مقابل، اگر مقدار این شاخص به‌عنوان مثال برابر با ۱.۸ باشد، بیانگر آن است که تمرکز آن رشته فعالیت در استان، ۱.۸ برابر میانگین کشور بوده و از تخصص نسبی بالاتری نسبت به ساختار صنعتی کشور برخوردار است (دفتر تحلیل اقتصادی ایالات متحده آمریکا، ۲۰۰۸).

در این بخش، به‌منظور شناسایی رشته‌فعالیت‌های صنعتی دارای تخصص نسبی در استان تهران، ضریب مکانی بر مبنای ارزش‌افزوده محاسبه شده است. این شاخص، میزان تمرکز نسبی هر رشته فعالیت را در ساختار ارزش‌افزوده صنعتی استان،

^۴ Location Quotient

^۵ U.S. Bureau of Economic Analysis - BEA



در مقایسه با ساختار متناظر آن در سطح کشور، اندازه‌گیری می‌کند. بر این اساس، رشته‌فعالیت‌هایی که سهم آن‌ها از ارزش افزوده بخش صنعت استان بیش از سهم همان فعالیت‌ها در ساختار ارزش افزوده بخش صنعت کشور باشد، از تخصص نسبی بالاتری برخوردار هستند. از این رو، ضریب مکانی علاوه بر تفکیک صنایع صرفاً بزرگ از صنایع دارای تمرکز و تخصص نسبی، مبنایی مناسب برای شناسایی قابلیت‌های صنعتی استان و تحلیل جهت‌گیری‌های توسعه صنعتی به شمار می‌رود. فرمول محاسبه ما به شرح زیر خواهد بود:

$$LQ_i = \frac{\left(\frac{VA_{i,Tehran}}{VA_{Total,Tehran}} \right)}{\left(\frac{VA_{i,Iran}}{VA_{Total,Iran}} \right)}$$

که در آن:

- LQ_i : ضریب مکانی رشته‌فعالیت صنعتی i در استان تهران است.
 - $VA_{i,Tehran}$: ارزش افزوده ایجاد شده در رشته‌فعالیت صنعتی i در استان تهران است.
 - $VA_{Total,Tehran}$: مجموع ارزش افزوده همه رشته‌فعالیت‌های صنعت ساخت در استان تهران است (در مطالعه ما، این متغیر صرفاً شامل کارگاه‌های صنعتی فعال دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر است).
 - $VA_{i,Iran}$: ارزش افزوده همان رشته‌فعالیت صنعتی i در کل کشور است.
 - $VA_{Total,Iran}$: مجموع ارزش افزوده همه رشته‌فعالیت‌های صنعت ساخت در کل کشور است که باید از نظر سال آماری و طبقه‌بندی فعالیت با داده استان تهران یکسان باشد.
- نتایج محاسبه ضریب مکانی (LQ) نشان می‌دهد که ساختار صنعتی استان تهران از تمرکز نسبی بالایی در تعدادی از رشته‌فعالیت‌های صنعتی برخوردار است. مقدار بیش از یک این شاخص بیانگر آن است که سهم آن رشته فعالیت از ارزش افزوده بخش صنعت استان، از سهم متناظر آن در ساختار صنعت کشور بیشتر بوده و در نتیجه، استان تهران در آن فعالیت از تخصص نسبی برخوردار است. بر این اساس، ۱۴ رشته‌فعالیت صنعتی دارای ضریب مکانی بزرگ‌تر از یک هستند که بیانگر تمرکز تولید، انباشت ظرفیت‌های صنعتی و شکل‌گیری مزیت‌های نسبی در این فعالیت‌ها است.
- بیشترین ضریب مکانی به رشته فعالیت چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده با مقدار ۴.۷ اختصاص دارد که نشان‌دهنده تمرکز بسیار بالای این فعالیت در استان تهران نسبت به ساختار صنعت کشور است. پس از آن، صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر (با مقدار LQ برابر با ۳.۱)، تولید پوشاک (با مقدار LQ برابر با ۳)، تولید مبلمان (با مقدار LQ برابر با ۲.۸)، ساخت محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری (با مقدار LQ برابر با ۲.۷)، تولید چرم و فرآورده‌های وابسته (با مقدار LQ برابر با ۲.۶)، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات (با مقدار LQ برابر با ۲.۳) و تولید داروها و فرآورده‌های دارویی (با مقدار LQ برابر با ۲.۱) قرار دارند. مقادیر بالای ضریب مکانی در این رشته‌فعالیت‌ها نشان می‌دهد که این صنایع، نسبت به متوسط کشور، از جایگاه برجسته‌تری در ساختار تولید صنعتی استان برخوردار بوده و هسته‌های اصلی تخصص صنعتی تهران را تشکیل می‌دهند.



جدول ۱. طبقه‌بندی صنایع پیشران استان تهران بر اساس مقادیر LQ

مقدار LQ	شرح فعالیت صنعتی
۴.۷۱	چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده
۳.۱۲	تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر ونیم تریلر
۳.۰۰	تولید پوشاک
۲.۸۵	تولید مبلمان
۲.۷۸	ساخت محصولات رایانه ای، الکترونیکی ونوری
۲.۶۰	تولید چرم و فرآورده های وابسته
۲.۲۷	تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر
۲.۱۱	تولید داروها وفرآورده های دارویی شیمیایی و گیاهی
۱.۷۴	تولید سایر مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر
۱.۶۱	تولید محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین آلات وتجهیزات
۱.۲۲	تولید تجهیزات برقی
۱.۱۶	تولید فرآورده های لاستیکی وپلاستیکی
۱.۱۱	تولید کاغذ و فرآورده های کاغذی
۱.۰۷	تولید فرآورده های غذایی
۱.۰	تولید انواع آشامیدنی ها
۰.۸	تولید سایر تجهیزات حمل و نقل
۰.۷	تولید کک و فرآورده های حاصل از پالایش نفت
۰.۶	تولید سایر فرآورده های معدنی غیرفلزی
۰.۴	تولید چوب وفرآورده های چوب وچوب پنبه -به جز مبلمان - ساخت کالا از حصیر وموادحصیربافی
۰.۴	تولید منسوجات
۰.۳	تولید فرآورده های توتون و تنباکو
۰.۲	تولید فلزات پایه
۰.۲	تولید موادشیمیایی و فرآورده های شیمیایی
۰.۶	تعمیر ونصب ماشین آلات و تجهیزات

منبع: محاسبات کارشناسی

شایان توجه است مقدار پایین ضریب مکانی در برخی رشته فعالیت‌ها را می‌توان با ویژگی‌های ساختاری اقتصاد استان تهران تبیین کرد. بخش قابل توجهی از این صنایع در زمره صنایع منابع‌محور، انرژی‌بر یا زمین‌بر قرار می‌گیرند که استقرار آن‌ها بیش از آنکه به بازار مصرف و خدمات پشتیبان وابسته باشد، به دسترسی به مواد اولیه، منابع انرژی، اراضی وسیع و ملاحظات زیست‌محیطی وابسته است. از این‌رو، تمرکز این فعالیت‌ها عمدتاً در استان‌های برخوردار از مزیت‌های طبیعی و زیرساختی شکل گرفته و سهم آن‌ها در ساختار صنعتی استان تهران پایین‌تر از میانگین کشور است.



۲-۵. جمع‌بندی مزیت‌های نسبی و ساختار صنعتی استان تهران

بررسی هم‌زمان تعداد بنگاه‌ها، سهم اشتغال، سهم ارزش افزوده و ضریب مکانی نشان می‌دهد که ساختار صنعتی استان تهران بر چند رشته‌فعالیت محوری استوار است که هر یک نقش متفاوتی در اقتصاد صنعتی استان ایفا می‌کنند. از یک‌سو، صنایعی نظیر تولید وسایل نقلیه موتوری، ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات فلزی ساخته‌شده، تجهیزات برقی و فرآورده‌های غذایی، علاوه بر برخورداری از سهم قابل توجه در تعداد بنگاه‌ها و اشتغال، بخش مهمی از ارزش افزوده صنعتی استان را نیز ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر، ضریب مکانی بالاتر از یک در این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که این صنایع نه تنها از نظر مقیاس تولید، بلکه از منظر تمرکز نسبی نیز جایگاه برجسته‌ای در ساختار صنعتی استان تهران دارند.

در میان این فعالیت‌ها، صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر جایگاه متمایزی دارد؛ به گونه‌ای که با وجود سهم نسبتاً محدود از تعداد واحدهای صنعتی (۳.۸ درصد)، حدود ۲۰.۴ درصد از اشتغال و ۲۹ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت استان را به خود اختصاص داده و ضریب مکانی ۳.۱۲ نیز بیانگر تمرکز بالاتر این صنعت در استان تهران نسبت به متوسط کشور است. این الگو نشان می‌دهد که صنعت خودرو یکی از پیشران‌های اصلی اقتصاد صنعتی استان محسوب می‌شود و از نظر مقیاس تولید، اشتغال و خلق ارزش افزوده، نقش محوری در ساختار صنعت تهران ایفا می‌کند.

در مقابل، برخی رشته‌فعالیت‌ها از جمله چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده، تولید پوشاک، مبلمان، محصولات رایانه‌ای، الکترونیک و نوری، چرم و فرآورده‌های وابسته و صنایع دارویی، اگرچه سهم نسبتاً محدودی در ارزش افزوده و اشتغال صنعتی استان دارند، اما برخورداری از ضریب مکانی بالا نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها نسبت به ساختار صنعت کشور از تخصص نسبی بیشتری برخوردار هستند. این وضعیت بیانگر آن است که مزیت این صنایع بیش از آنکه ناشی از مقیاس تولید باشد، حاصل تمرکز فعالیت‌ها، انباشت دانش فنی، شکل‌گیری شبکه‌های تولید و استقرار خوشه‌های صنعتی در استان تهران است. در مقابل، رشته‌فعالیت‌هایی نظیر فلزات پایه، مواد شیمیایی، فرآورده‌های نفتی، محصولات کانی غیرفلزی، منسوجات و صنایع چوب، با وجود برخورداری برخی از آن‌ها از سهم قابل قبول در ارزش افزوده یا تعداد بنگاه‌ها، ضریب مکانی کمتر از یک دارند. این امر نشان می‌دهد که سهم این فعالیت‌ها در ساختار صنعتی استان پایین‌تر از متوسط کشور بوده و تمرکز جغرافیایی آن‌ها عمدتاً در سایر استان‌های کشور شکل گرفته است. استقرار این صنایع معمولاً به عواملی نظیر دسترسی به مواد اولیه، منابع انرژی، اراضی صنعتی گسترده و ملاحظات زیست‌محیطی وابسته است؛ مزیت‌هایی که در بسیاری از استان‌های دیگر بیش از تهران وجود دارد.

در مجموع، برآیند چهار شاخص مورد بررسی نشان می‌دهد که مزیت صنعتی استان تهران صرفاً در صنایع بزرگ و اشتغال‌زا متمرکز نیست، بلکه بخش مهمی از تخصص صنعتی استان در فعالیت‌های با فناوری متوسط و متوسط به بالا، صنایع مهندسی‌محور و تولیدات دانش‌بنیان شکل گرفته است. این ویژگی، ساختار صنعتی تهران را از بسیاری از استان‌های کشور که مزیت آن‌ها عمدتاً بر صنایع منابع‌محور و انرژی‌بر استوار است، متمایز می‌سازد و نشان‌دهنده نقش تهران به عنوان کانون اصلی صنایع مبتنی بر سرمایه انسانی، توان مهندسی و فناوری در اقتصاد صنعتی کشور است. در چارچوب توسعه صادرات غیرنفتی نیز، این نتایج می‌تواند مبنایی برای جهت‌دهی سیاست‌های حمایتی باشد. تمرکز منابع و مشوق‌های صادراتی بر صنایعی که علاوه بر برخورداری از سهم قابل توجه در تولید و ارزش افزوده، از تخصص نسبی نیز برخوردارند، احتمال موفقیت سیاست‌های توسعه صادرات را افزایش می‌دهد.



۳. ویژگی‌های ساختاری بخش معدن استان تهران

بر اساس اطلاعات منتشر شده مرکز آمار^۶، تعداد معادن در حال بهره‌برداری استان تهران در سال ۱۴۰۳ به ۱۴۳ معدن رسیده است که نسبت به سال ۱۴۰۲، ۱۵.۳ درصد افزایش داشته و معادل ۲.۱ درصد از کل معادن در حال بهره‌برداری کشور را شامل می‌شود.

در همین سال، تعداد شاغلان معادن در حال بهره‌برداری استان به ۲ هزار و ۲۷۸ نفر رسید که در مقایسه با سال قبل ۱۶.۳ درصد رشد داشته است. با وجود این، سهم استان تهران از کل اشتغال معادن در حال بهره‌برداری کشور تنها ۱.۶ درصد بوده که بیانگر جایگاه محدود بخش معدن در ساختار اشتغال استان است.

همچنین، ارزش افزوده ایجادشده در معادن در حال بهره‌برداری استان طی سال ۱۴۰۳ حدود ۲.۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده که نسبت به سال ۱۴۰۲ رشد قابل توجه ۶۶.۱ درصدی را نشان می‌دهد. با این حال، سهم استان از کل ارزش افزوده بخش معدن کشور تنها ۰.۷ درصد است که در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی استان، بیانگر وزن نسبتاً پایین فعالیت‌های معدنی در اقتصاد تهران است.

در مجموع، اگرچه شاخص‌های عملکردی بخش معدن استان طی سال ۱۴۰۳ روندی صعودی داشته‌اند، اما سهم محدود استان از تعداد معادن، اشتغال و ارزش افزوده معدنی کشور نشان می‌دهد که بخش معدن، برخلاف بخش صنعت، از مزیت نسبی قابل توجهی در اقتصاد استان تهران برخوردار نیست. این وضعیت را می‌توان بیش از هر چیز ناشی از ویژگی‌های ساختاری استان، از جمله محدودیت ذخایر معدنی، غلبه کاربری‌های شهری و صنعتی، محدودیت‌های زیست‌محیطی و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی بر بخش‌های صنعت و خدمات دانست. از این رو، راهبرد توسعه این بخش بیش از گسترش کمی معادن، باید بر افزایش بهره‌وری، بهبود فناوری‌های استخراج، تکمیل زنجیره ارزش مواد معدنی و ارتقای فرآوری محصولات معدنی استوار باشد.

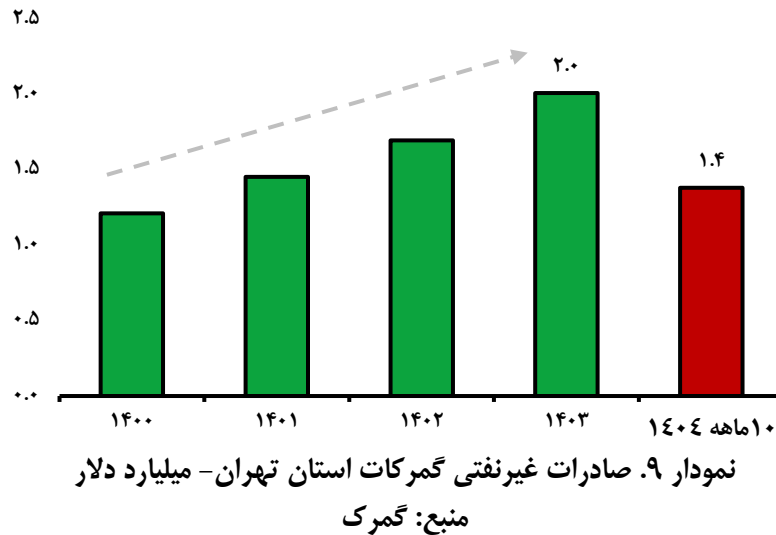
۴. تحلیل وضعیت تجارت خارجی استان تهران

۴-۱. صادرات استان بر حسب کالا و مقاصد صادراتی^۷

ارزش صادرات کالا از گمرکات استان تهران در سال ۱۴۰۳ به حدود ۲ میلیارد دلار رسید که در مقایسه با سال ۱۴۰۲، رشد ۱۸.۷ درصدی را تجربه کرده است. این روند، حاکی از بهبود عملکرد صادراتی استان از منظر ارزش کالاهای صادرشده در سال مزبور است. همچنین، در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ حدود ۱.۴ میلیارد دلار کالا از گمرکات استان تهران صادر شده است. از آنجا که آمار سال ۱۴۰۴ مربوط به دوره‌ای کمتر از یک سال کامل است، مقایسه آن با عملکرد سالانه ۱۴۰۳ می‌تواند منجر به برداشت نادرست از روند صادرات شود و قضاوت درباره عملکرد سال ۱۴۰۴ باید پس از انتشار آمار نهایی سال صورت گیرد.

۶ داده‌ها و اطلاعات ارائه شده در این بخش، بر مبنای آخرین نسخه منتشرشده در تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ گردآوری شده و در زمان تدوین گزارش، جدیدترین آمار رسمی در دسترس محسوب می‌شوند.

۷ آمار این بخش بر اساس تجارت کالاهای اظهارشده در گمرکات استان تهران تنظیم شده است؛ از این رو، لزوماً بیانگر تجارت محصولات تولیدی استان نیست، زیرا محل اظهار گمرکی با محل تولید کالا یکسان نیست. با وجود این، به دلیل انتشار منظم، قابلیت مقایسه زمانی و جایگاه گمرکات استان تهران در تجارت خارجی کشور، این آمار مناسب‌ترین مبنای در دسترس برای بررسی روند و ساختار صادرات استان محسوب می‌شود.



بررسی ترکیب جغرافیایی صادرات از گمرکات استان تهران در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که صادرات کالا به چند بازار هدف متمرکز بوده است. در این دوره، کنیا با سهم ۲۴.۴ درصدی از کل صادرات، مهم‌ترین مقصد کالاهای صادرشده از گمرکات استان تهران بوده و پس از آن، ترکیه با ۲۰.۲ درصد و عراق با ۱۲.۲ درصد قرار دارند. در مجموع، این سه کشور بیش از ۵۶ درصد از ارزش کل صادرات گمرکات استان را به خود اختصاص داده‌اند که بیانگر تمرکز قابل توجه صادرات بر تعداد محدودی از بازارهای مقصد است. این تمرکز، صادرات استان را در برابر تحولات سیاسی، تجاری، ارزی و لجستیکی بازارهای مقصد آسیب‌پذیر می‌سازد و ضرورت تنوع‌بخشی به بازارهای هدف و توسعه بازارهای صادراتی جدید را بیش از پیش آشکار می‌کند. گسترش حضور در بازارهای نوظهور، کاهش تمرکز جغرافیایی صادرات و تقویت پیوندهای تجاری با مقاصد متنوع‌تر، می‌تواند ضمن کاهش ریسک‌های تجاری، پایداری و تاب‌آوری صادرات غیرنفتی استان را نیز ارتقا دهد و ضرورت تنوع‌بخشی به بازارهای هدف و توسعه بازارهای صادراتی جدید را بیش از پیش آشکار می‌کند. گسترش حضور در بازارهای نوظهور، کاهش تمرکز جغرافیایی صادرات و تقویت پیوندهای تجاری با مقاصد متنوع‌تر، می‌تواند ضمن کاهش ریسک‌های تجاری، پایداری و تاب‌آوری صادرات غیرنفتی استان را نیز ارتقا دهد.

از منظر ترکیب کالایی نیز، صادرات گمرکات استان تهران عمدتاً در چند قلم کالای مشخص متمرکز بوده است. در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴، کانتینرها (کد تعرفه ۸۶۰۹۰۰۰۰) با سهم ۴۲.۲ درصدی، مهم‌ترین قلم صادراتی استان محسوب می‌شوند. پس از آن، کره بسته‌بندی‌شده در بسته‌های بیش از ۵۰۰ گرم (کد تعرفه ۰۴۰۵۱۰۲۰) با سهم ۴.۸ درصد، سایر داروها (کد تعرفه ۳۰۰۴۹۰۱۲) با سهم ۴.۰ درصد، شیر خشک صنعتی (کد تعرفه ۰۴۰۲۱۰۲۰) با سهم ۳.۲ درصد و سایر آنتی‌سرماها و مشتقات خونی (کد تعرفه ۳۰۰۲۱۲۹۰) با سهم ۲.۹ درصد قرار دارند. در مجموع، این پنج قلم کالا ۵۷.۱ درصد از کل ارزش صادرات گمرکات استان تهران را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده تمرکز بالای صادرات بر تعداد محدودی از کالاها است.

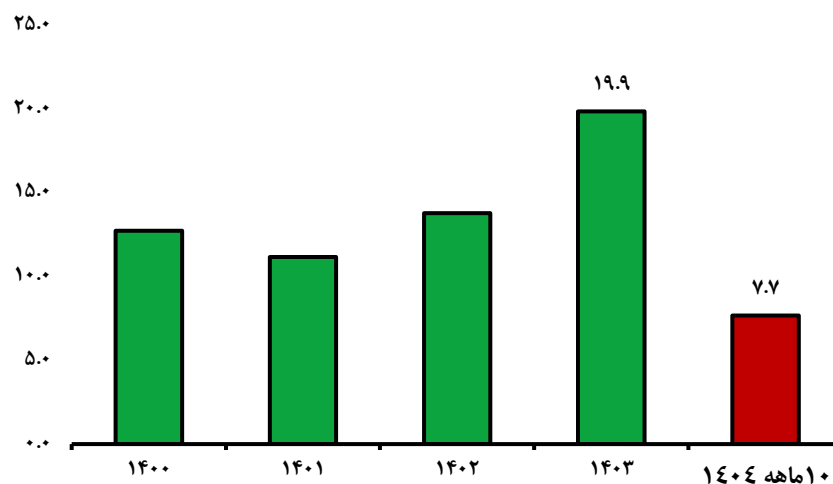


۴-۲. واردات استان بر حسب کالا و مبادی وارداتی

بررسی آمارهای گمرکی نشان می‌دهد ارزش واردات کالا از گمرکات استان تهران در سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۹.۹ میلیارد دلار رسیده که نسبت به سال ۱۴۰۲، رشد قابل توجه ۴۴ درصدی را تجربه کرده است. همچنین، طی ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ ارزش واردات ثبت شده از گمرکات استان حدود ۷.۷ میلیارد دلار بوده است. با توجه به اینکه این رقم مربوط به عملکرد ۱۰ ماهه سال است، مقایسه مستقیم آن با آمار سالانه ۱۴۰۳ مستلزم احتیاط بوده و ارزیابی عملکرد نهایی سال ۱۴۰۴ به انتشار آمار کامل سال وابسته است.

از منظر مبادی تأمین، واردات گمرکات استان تهران در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ تمرکز قابل توجهی بر چند شریک تجاری اصلی داشته است. در این دوره، امارات متحده عربی با سهم ۴۱.۷ درصدی از کل ارزش واردات، مهم‌ترین کشور مبدأ کالاهای وارداتی بوده و پس از آن، ترکیه با ۲۲.۷ درصد و چین با ۱۶.۵ درصد قرار دارند. در مجموع، بیش از ۸۰ درصد از ارزش واردات گمرکات استان از این سه کشور تأمین شده است که بیانگر وابستگی قابل توجه زنجیره تأمین کالاهای وارداتی استان به تعداد محدودی از شرکای تجاری است.

از نظر ترکیب کالایی نیز، واردات استان عمدتاً بر چند قلم کالای راهبردی متمرکز بوده است. در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴، طلای خام (کد تعرفه ۷۱۰۸۱۲۰۰) با سهم ۳۳.۵ درصدی، مهم‌ترین قلم وارداتی گمرکات استان تهران بوده است. پس از آن، سایر تلفن‌های هوشمند (کد تعرفه ۸۵۱۷۱۳۹۰) با سهم ۱۶.۴ درصد و اجزا و قطعات مدارهای مجتمع الکترونیکی با کد تعرفه ۸۵۴۳۹۰۰۰ و سهم ۴.۹ درصد قرار دارند. در مجموع، این سه قلم کالا نزدیک به ۵۵ درصد از کل ارزش واردات گمرکات استان را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده تمرکز بالای واردات بر تعداد محدودی از کالاها است.



نمودار ۱۰. واردات غیر نفتی گمرکات استان تهران - میلیارد دلار

منبع: گمرک

ترکیب کالاهای وارداتی نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از واردات استان تهران را کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و فناوری محور در کنار فلزات گران بها تشکیل می‌دهند. این الگو بیانگر نقش گمرکات استان در تأمین نیازهای تولید، تجارت و



بازار داخلی است. در عین حال، تمرکز واردات بر تعداد محدودی از کشورهای مبدأ، لزوم تنوع بخشی به بازارهای تأمین، مدیریت ریسک زنجیره تأمین و توسعه همکاری های تجاری با شرکای جدید را بیش از پیش نمایان می سازد. این موضوع از منظر افزایش تاب آوری تجاری و کاهش آسیب پذیری در برابر اختلالات ژئوپلیتیکی، محدودیت های تجاری و نوسانات بازارهای بین المللی، برای سیاست گذاران و فعالان اقتصادی استان تهران از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۵. جایگاه استان در اسناد فرادستی و آمایش سرزمین

۵-۱. چشم انداز توسعه استان

توسعه صادرات غیرنفتی، علاوه بر توان تولیدی بنگاه ها، به نحوه سازماندهی فضایی فعالیت های اقتصادی، زیرساخت های لجستیکی و اولویت های استقرار صنایع و خدمات نیز وابسته است. از این رو، سند آمایش سرزمین به عنوان سند راهبردی توسعه استان، مبنای مناسبی برای ارزیابی ظرفیت های بلندمدت و جهت گیری های توسعه ای مؤثر بر رقابت پذیری و صادرات غیرنفتی استان تهران محسوب می شود.

بر اساس سند آمایش سرزمین، استان تهران در افق ۱۴۲۵ استانی است که به لحاظ اکولوژیکی، محیط زیستی و رعایت الزامات و ملاحظات دفاعی، امنیتی و پدافند غیرعامل در شرایط پایداری قرار گرفته و با حفاظت از عرصه ها و منابع طبیعی، ترمیم عرصه های آسیب دیده و مدیریت بهره برداری از منابع طبیعی به ویژه آب توانسته تهدیدهایی از فرونشست، فرسایش خاک و بیابان زایی را رفع نماید و میان منایع و مصارف تعادل منطقی برقرار نماید.

استان تهران با توجه به توزیع متوازن خدمات و امکانات، میزان نابرابری میان شهرستان های استان را به میزان قابل توجهی تقلیل داده و نرخ آسیب های اجتماعی استان روند کاهشی را تجربه می نماید. همچنین با توجه به پالایش توزیع فعالیت های اقتصادی در استان، از طریق تمرکز فعالیت های مرتبط با رقابت پذیری ملی و بین المللی در تهران از جمله فعالیت های دانش پایه و خدمات برتر؛ تمرکز زایی از فعالیت های غیر برتر از شهر تهران و توزیع متوازن آن در سایر شهرستان های استان و همچنین خروج برخی از فعالیت ها از استان تهران به استان های یگر به لحاظ اقتصادی به توازن و رش مطلوبی دست یافته که حافظ تعادل های اجتماعی و محیط زیستی استان نیز هست.

با تمهی یک مدیریت یکپارچه و هماهنگ در سطح استان و مجموعه شهری تهران، تعارضات و ناهماهنگی های گذشته رفع گردیده است و تصمیم گیری های استان با اتکا بر عقلانیت برنامه ای شفاف و مبتنی بر پاسخگویی انجام می شود. کلان شهر تهران بیش از پیش به عنوان یکی از کانون های اصلی رقابت پذیری در سطح آسیای غربی شناخته می شود که توانسته سطح تاب آوری خود را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی به میزان قابل توجهی ارتقا دهد. با رعایت الزامات و ملاحظات دفاعی، امنیتی و پدافند غیرعامل می باشد.

چشم انداز ترسیم شده در سند آمایش سرزمین، تصویری از استانی متوازن، رقابت پذیر، تاب آور و برخوردار از حکمرانی یکپارچه ارائه می دهد که در آن توسعه اقتصادی در کنار حفاظت از منابع طبیعی، ارتقای کیفیت محیط زیست و کاهش نابرابری های فضایی دنبال می شود. با این حال، تحقق کامل این اهداف تا افق ۱۴۲۵ مستلزم رفع مجموعه ای از چالش های ساختاری است

که در حال حاضر استان تهران با آن‌ها مواجه است. استمرار روند فرونشست زمین، محدودیت شدید منابع آب، تمرکز بالای جمعیت و فعالیتهای اقتصادی، نابرابری توسعه میان شهرستانهای استان، گسترش آسیب‌های زیست‌محیطی، ناترازی زیرساخت‌های شهری و حمل‌ونقل و همچنین محدودیتهای ناشی از شرایط اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی و کاهش سرمایه‌گذاری، از جمله عواملی هستند که تحقق کامل این چشم‌انداز را با دشواری مواجه می‌سازند.

در عین حال، ظرفیتهای کم‌نظیر استان تهران در حوزه سرمایه انسانی، زیرساخت‌های علمی و فناوریانه، تمرکز بنگاه‌های اقتصادی، دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی و جایگاه آن به‌عنوان مرکز اصلی خدمات پیشرفته کشور، زمینه مناسبی برای تحقق بخشی از اهداف سند، به‌ویژه در حوزه توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، ارتقای رقابت‌پذیری، بهبود بهره‌وری و توسعه صادرات غیرنفتی فراهم کرده است. از این‌رو، دستیابی به اهداف سند آمایش بیش از آنکه به توسعه فیزیکی و گسترش فعالیت‌ها وابسته باشد، نیازمند اصلاح حکمرانی منطقه‌ای، تمرکززدایی هوشمند، ارتقای بهره‌وری منابع، توسعه زیرساخت‌های فناوریانه، بهبود محیط کسب‌وکار و اجرای هماهنگ سیاست‌های توسعه‌ای در سطح ملی و استانی است. به نظر می‌رسد، حرکت تدریجی به سمت اهداف این سند، در صورت اجرای اصلاحات نهادی، تقویت سرمایه‌گذاری و تداوم سیاست‌های توسعه‌محور، می‌تواند دست‌یافتنی باشد.

۵-۲. اولویت‌های صنعتی، معدنی و بازرگانی استان تهران

بخش صنعت؛ بر اساس سند آمایش سرزمین، در افق برنامه‌ریزی، بخش قابل‌توجهی از تولید گروه‌های صنعتی، از جمله قطعات خودرو و مصالح ساختمانی، با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته (High-Tech) در استان تهران انجام خواهد شد. همچنین، بخشی از فعالیتهای اقتصادی، به‌ویژه فعالیتهای غیرتخصصی در حوزه صنعت و خدمات، به شهرستان‌های استان منتقل می‌شود. در مقابل، صنایع با فناوری بالا و صنایع دارای مزیت نسبی هر شهرستان در محل استقرار خود حفظ شده و تقویت خواهند شد. بر اساس این سند مناطق مستعد توسعه فعالیتهای صنعتی و معدنی به شرح زیر است:

جدول ۲. مناطق مستعد توسعه فعالیتهای صنعتی و معدنی استان تهران

منطقه	اولویت فعالیت صنعتی
شهریار، ملارد و قدس	دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوسط
رباط‌کریم، بهارستان و اسلامشهر	رباط‌کریم دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوسط به بالا اسلامشهر و بهارستان دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوسط به پایین
تهران، ری و شمیرانات	تهران دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوسط به بالا ری دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوسط به پایین
قرچک، ورامین، پاکدشت و پیشوا	دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوس
فیروزکوه، دماوند، پردیس	پردیس دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوسط به بالا فیروزکوه دارای اولویت توسعه در صنایع با فناوری متوسط به پایین

منبع: برگرفته از سند آمایش سرزمینی استان تهران

بازرگانی؛ بر اساس سند آمایش سرزمین، از جمله سیاست‌های سرزمینی توسعه بخش بازرگانی و خدمات در استان تهران، ساماندهی و تقویت فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) با هدف ایفای نقش به‌عنوان یکی از هاب‌های منطقه‌ای ترانزیت مسافر

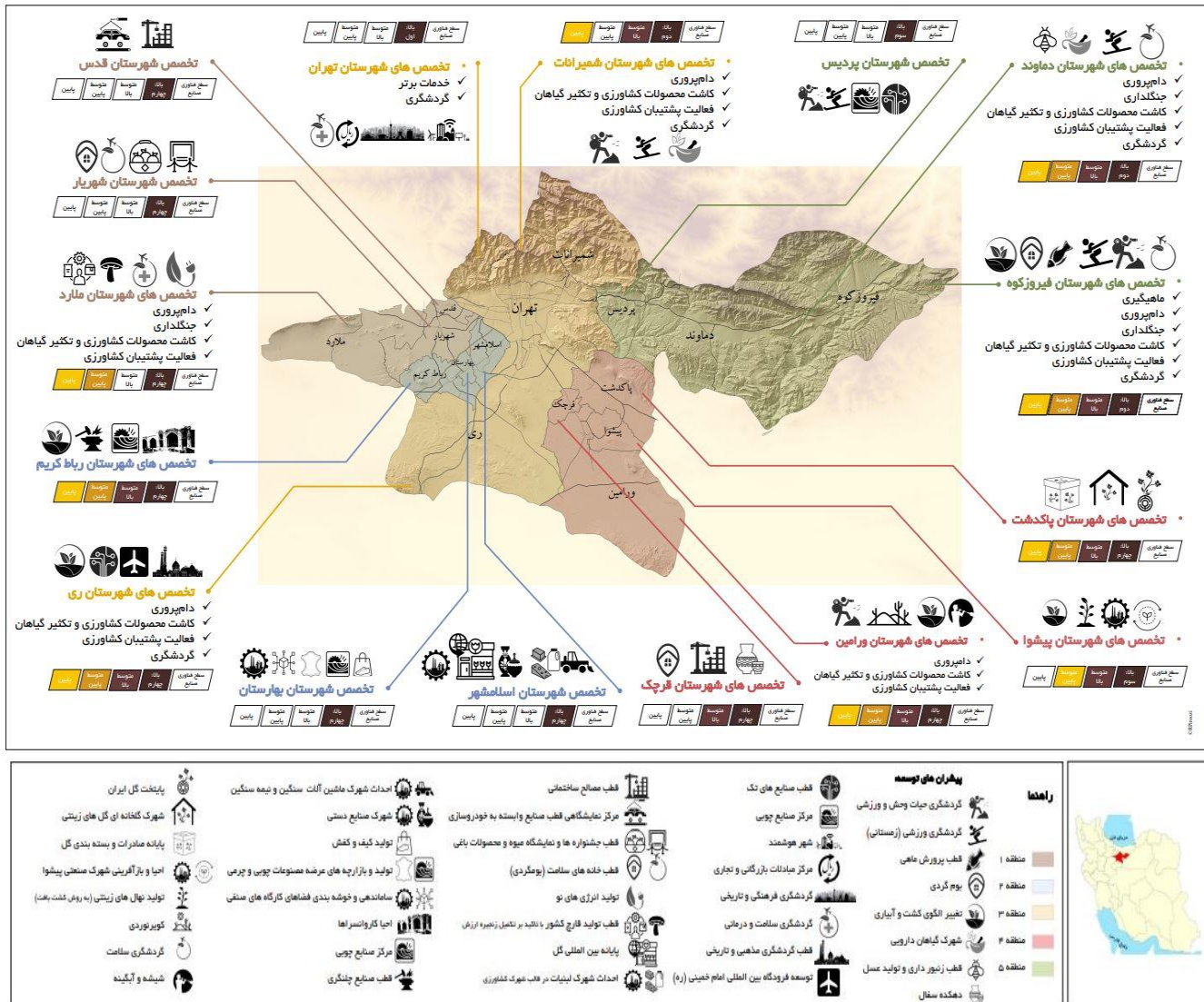
و کالا و نیز توسعه شیوه‌های نوین تأمین، توزیع و فروش و ارائه خدمات تجارت الکترونیک است. بر پایه این سند، مناطق مستعد توسعه فعالیت‌های خدماتی و بازرگانی استان به شرح زیر تعیین شده‌اند:

جدول ۳. مناطق مستعد خدمات و بازرگانی

اولویت فعالیت صنعتی	منطقه
این شهرستان‌ها در فعالیت‌های هتل و رستوران، حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات و سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی دارای اولویت توسعه هستند. همچنین، شهرستان شهریار در حوزه اداره عمومی و خدمات شهری و شهرستان‌های قدس و ملارد در زمینه عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها دارای اولویت توسعه‌اند.	شهریار، ملارد و قدس
این شهرستان‌ها در فعالیت‌های حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات دارای اولویت توسعه هستند. اسلامشهر و بهارستان در فعالیت‌های هتل و رستوران، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه و کالاها نیز دارای اولویت‌اند. شهرستان بهارستان در سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی و رباط کریم در فعالیت‌های آموزشی، اداره عمومی و خدمات شهری دارای اولویت توسعه است.	رباط کریم، بهارستان و اسلامشهر
شهرستان تهران، علاوه بر خدمات برتر، در فعالیت‌های واسطه‌گری مالی، مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار، آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی دارای اولویت توسعه است. شهرستان ری در بیشتر فعالیت‌های خدماتی و اجتماعی، به‌جز خدمات برتر متمرکز در تهران، دارای اولویت است. شمیرانات نیز در خدمات هتل، مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار و سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی دارای اولویت توسعه است.	تهران، ری و شمیرانات
این شهرستان‌ها در فعالیت‌های حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات، اداره امور عمومی و خدمات شهری و فعالیت‌های آموزشی دارای اولویت توسعه هستند.	قزچک، ورامین، پاکدشت و پیشوا
این شهرستان‌ها در فعالیت‌های حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات، اداره امور عمومی و خدمات شهری و فعالیت‌های آموزشی دارای اولویت توسعه هستند.	فیروزکوه، دماوند، پردیس

منبع: برگرفته از سند آمایش سرزمینی استان تهران

بررسی اولویت‌های صنعتی، معدنی و بازرگانی پیش‌بینی‌شده در سند آمایش سرزمین نشان می‌دهد که راهبرد توسعه استان تهران بر سه محور اصلی استوار است: نخست، ارتقای ساختار تولید از طریق توسعه صنایع با فناوری متوسط و بالا و تقویت فعالیت‌های دارای ارزش افزوده بیشتر؛ دوم، توزیع متوازن فعالیت‌های صنعتی و خدماتی متناسب با مزیت‌های نسبی شهرستان‌ها به‌منظور کاهش تمرکز فعالیت‌ها در شهر تهران؛ و سوم، توسعه زیرساخت‌های لجستیکی و خدمات بازرگانی با تأکید بر حمل‌ونقل، انبارداری، تجارت الکترونیک و تقویت نقش فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به‌عنوان هاب منطقه‌ای تجارت و ترانزیت.



شکل ۳. جغرافیای اقتصادی استان تهران بر اساس برنامه آمایش استان تهران

منبع: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران

شکل ۳ نشان می‌دهد که راهبرد فضایی توسعه استان تهران در برنامه آمایش، بر پایه تخصص‌گرایی منطقه‌ای، توزیع متوازن فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای مزیت‌های نسبی شهرستان‌ها استوار شده است. برخلاف الگوی گذشته که بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی در شهر تهران متمرکز بود، تلاش بر این است که با تعریف نقش تخصصی برای هر شهرستان، تمرکز فعالیت‌ها کاهش یافته و شبکه‌ای مکمل از فعالیت‌های صنعتی، خدماتی، کشاورزی، گردشگری و فناوری در سطح استان شکل گیرد. در این چارچوب، شهرستان تهران به‌عنوان کانون خدمات برتر، مدیریت، فعالیت‌های دانش‌بنیان و اقتصاد مبتنی بر فناوری ایفای نقش می‌کند، در حالی که سایر شهرستان‌ها متناسب با ظرفیت‌های طبیعی، زیرساختی و اقتصادی خود، در حوزه‌هایی نظیر صنایع با فناوری متوسط و بالا، کشاورزی پیشرفته، گردشگری، لجستیک، صنایع وابسته به خودرو، صنایع دستی و انرژی‌های نو تخصص می‌یابند.



این الگوی فضایی، بیانگر آن است که توسعه آینده استان صرفاً بر گسترش فعالیت‌های اقتصادی در شهر تهران استوار نیست، بلکه بر تقویت مزیت‌های نسبی شهرستان‌ها، تکمیل زنجیره‌های ارزش، توسعه خوشه‌های تخصصی و ایجاد پیوند میان فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و لجستیکی تأکید دارد. از منظر توسعه صادرات غیرنفتی نیز، چنین رویکردی می‌تواند با کاهش تمرکز جغرافیایی فعالیت‌ها، ارتقای بهره‌وری فضایی، توسعه صنایع دانش‌بنیان، تقویت زیرساخت‌های تجاری و شکل‌گیری شبکه‌های تخصصی تولید، زمینه افزایش رقابت‌پذیری و تنوع‌بخشی به صادرات استان تهران را فراهم سازد (شاگری و همکاران، ۱۴۰۱).

۶. ارزیابی ظرفیت‌ها و شکاف‌های توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران

هم‌ترین ظرفیت‌های راهبردی استان تهران در توسعه صادرات غیرنفتی، همراه با شکاف‌های موجود در بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا زمینه‌های سیاست‌گذاری برای ارتقای رقابت‌پذیری صادرات استان شناسایی شود:

ظرفیت خوشه‌های صنعتی و زیرساخت‌های تولید صادرات‌محور؛ بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران^۸، استان تهران با ۱۹ شهرک صنعتی دولتی، ۱۲ شهرک غیر دولتی و ۳۸ لکه صنعتی مصوب و ۱۷ لکه صنعتی غیر مصوب، قطب اصلی صنعت کشور است. این شهرک‌ها با ایجاد تمرکز فضایی فعالیت‌های صنعتی، زمینه شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی، توسعه زنجیره‌های تأمین، کاهش هزینه‌های تولید و تسهیل تعامل میان بنگاه‌ها را فراهم کرده و از این منظر، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های توسعه صادرات غیرنفتی استان به شمار می‌روند. با این حال، ظرفیت صنعتی موجود هنوز به‌طور کامل به ظرفیت صادراتی تبدیل نشده است و بخشی از واحدهای مستقر در این شهرک‌ها همچنان وابستگی بالایی به بازار داخلی دارند. از این‌رو، ارتقای کارکرد صادراتی شهرک‌های صنعتی از طریق توسعه خوشه‌های صادراتی، تقویت پیوندهای میان بنگاه‌ها، ارتقای فناوری تولید و تکمیل زنجیره ارزش، از مهم‌ترین الزامات بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت محسوب می‌شود.

ظرفیت اقتصاد دیجیتال و زیرساخت‌های فناوری و نوآوری؛ استان تهران به‌عنوان کانون اصلی اقتصاد دیجیتال کشور، از بالاترین سطح توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات برخوردار است. بر اساس برآوردگاه پایش جامعه اطلاعاتی^۹، این استان در سال ۱۴۰۲ با کسب امتیاز ۸۵۲۲، رتبه نخست کشور را در شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (IDI) به دست آورده است. همچنین، تمرکز ۷۱ درصد مراکز نوآوری و فناوری، ۴۱ درصد صنایع با فناوری بالا و ۲۱ درصد پارک‌های علم و فناوری در استان تهران، ظرفیت قابل‌توجهی برای توسعه صنایع دانش‌بنیان، تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و صادرات کالاها و خدمات فناورانه فراهم کرده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران^{۱۰}، ۱۴۰۴). با وجود این مزیت‌ها، ظرفیت فناوری و نوآوری استان هنوز به همان نسبت در صادرات غیرنفتی منعکس نشده است. سهم محصولات و خدمات دانش‌بنیان و با فناوری بالا در سبد صادراتی استان همچنان محدود بوده و بخش عمده صادرات ثبت‌شده در گمرکات استان را کالاهای با فناوری متوسط و پایین تشکیل می‌دهد. این وضعیت نشان می‌دهد که یکی از شکاف‌های

^۸ جهت مطالعه بیشتر بر روی [لینک](#) کلیک نمایید.

^۹ جهت مطالعه بیشتر بر روی [لینک](#) کلیک نمایید.

^{۱۰} جهت مطالعه بیشتر بر روی [لینک](#) کلیک نمایید.



اصلی توسعه صادرات غیرنفتی استان، ضعف در تجاری سازی بین المللی فناوری، محدودیت حضور شرکت های دانش بنیان در بازارهای جهانی و اتصال ناکافی اکوسیستم نوآوری به زنجیره های ارزش بین المللی است.

ظرفیت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره): این فرودگاه یکی از مهم ترین مزیت های راهبردی استان تهران در توسعه صادرات غیرنفتی به شمار می رود. استقرار منطقه آزاد، دسترسی هم زمان به شبکه حمل و نقل هوایی، ریلی و جاده ای و ظرفیت توسعه خدمات لجستیکی و صنایع دانش بنیان، این مجموعه را به یکی از کانون های بالقوه تجارت و صادرات کشور تبدیل کرده است. این ظرفیت، به ویژه برای صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا، محصولات دانش بنیان و کالاهای حساس به زمان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

با این حال، ظرفیت های شهر فرودگاهی هنوز به طور کامل در خدمت توسعه صادرات قرار نگرفته است. بهره برداری محدود از ظرفیت های منطقه آزاد، توسعه نیافتگی خدمات لجستیک پیشرفته و پیوند ناکافی با زنجیره های تولید و صادرات استان، موجب شده است این مجموعه هنوز فاصله قابل توجهی با ایفای نقش یک هاب منطقه ای تجارت و لجستیک داشته باشد. با این حال توسعه شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) با توجه به تجربه دو جنگ اخیر، به عنوان گره اصلی حمل و نقل چندوجهی کشور، ضمن ارتقای رقابت پذیری صادرات، می تواند با ایجاد مسیرهای جایگزین برای جابه جایی کالا، نقش مهمی در افزایش تاب آوری زنجیره تأمین و تداوم تجارت خارجی کشور ایفا کند.

ظرفیت اقتصاد دانش بنیان: استان تهران با تمرکز بیش از ۵۰ درصد شرکت های دانش بنیان کشور، بخش عمده ای از مراکز تحقیق و توسعه، شرکت های فناور و نیروی انسانی متخصص، مهم ترین کانون اقتصاد دانش بنیان ایران محسوب می شود. این ظرفیت، همراه با استقرار دانشگاه های برتر، پارک های علم و فناوری و مراکز نوآوری، زمینه مناسبی برای توسعه محصولات و خدمات با فناوری بالا و افزایش سهم صادرات دانش بنیان فراهم کرده است. از این منظر، توسعه اقتصاد دانش بنیان یکی از مهم ترین مزیت های رقابتی استان در تنوع بخشی به صادرات غیرنفتی، افزایش ارزش افزوده و کاهش وابستگی به صادرات کالاهای خام و کم فناوری به شمار می رود.

با وجود این ظرفیت، شکاف قابل توجهی میان توان فناورانه استان و عملکرد صادراتی آن وجود دارد. سهم اقتصاد دانش بنیان از تولید ناخالص داخلی کشور در حال حاضر ۲۸ درصد برآورد می شود؛ در حالی که مطابق قانون برنامه هفتم توسعه، این سهم باید به ۷ درصد افزایش یابد. همچنین، سهم محصولات و خدمات دانش بنیان در صادرات غیرنفتی هنوز متناسب با ظرفیت های علمی و فناورانه استان نیست. محدودیت در تجاری سازی فناوری، دسترسی به بازارهای بین المللی، تأمین مالی شرکت های نوآور و توسعه زنجیره های ارزش دانش بنیان، از مهم ترین موانع بهره برداری کامل از این ظرفیت محسوب می شود.

ظرفیت بندر خشک آپرین: بندر خشک آپرین به عنوان نخستین بندر خشک کشور، یکی از مهم ترین ظرفیت های لجستیکی استان تهران برای توسعه صادرات غیرنفتی محسوب می شود. استقرار این بندر در تقاطع کریدورهای ریلی شمال-جنوب و شرق-غرب، برخورداری از تأسیسات گمرکی و اتصال به شبکه ریلی کشور، امکان تجمع، ترخیص، نگهداری و توزیع کالاهای صادراتی و وارداتی را فراهم کرده و می تواند هزینه و زمان حمل و نقل را کاهش دهد. با این حال، ظرفیت های بندر خشک آپرین هنوز به طور کامل مورد بهره برداری قرار نگرفته است. تکمیل زیرساخت های ریلی و لجستیکی، استقرار کامل دستگاه های اجرایی و گمرکی، رفع موانع حقوقی مشارکت بخش خصوصی در توسعه زیرساخت ها و تقویت اتصال عملیاتی



آن با بنادر جنوبی، از مهم‌ترین الزامات بهره‌برداری حداکثری از این بندر به شمار می‌رود. تحقق این اقدامات می‌تواند ضمن کاهش هزینه و زمان حمل‌ونقل، جایگاه بندر خشک آپرین را به‌عنوان یکی از پیشران‌های لجستیکی توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران و کشور تقویت کند.

ظرفیت تمرکز شرکت‌های مدیریت صادرات؛ تمرکز شرکت‌های مدیریت صادرات در تهران، یکی از ظرفیت‌های نهادی استان برای توسعه صادرات غیرنفتی به شمار می‌رود. این شرکت‌ها با برخورداری از دانش تخصصی بازار، شبکه ارتباطی، تجربه بازاریابی بین‌المللی و آشنایی با الزامات حقوقی، گمرکی و تجاری، می‌توانند حلقه واسط میان بنگاه‌های تولیدی و بازارهای خارجی باشند. نقش آنها به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط که فاقد واحد صادراتی مستقل هستند، اهمیت بیشتری دارد و می‌تواند به شناسایی بازارهای هدف، تجمیع محصولات، برندسازی، عقد قراردادهای خارجی و مدیریت فرآیند صادرات کمک کند. با وجود این ظرفیت، بهره‌گیری از توان شرکت‌های مدیریت صادرات در توسعه صادرات غیرنفتی استان می‌تواند بیش از وضعیت موجود تقویت شود.

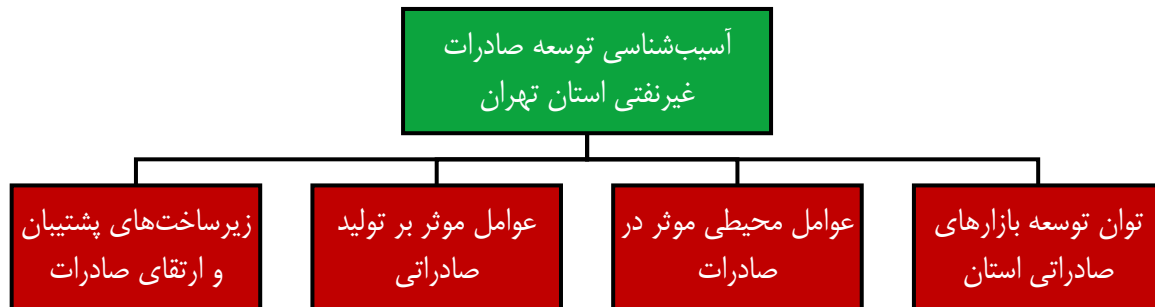
ظرفیت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران؛ استقرار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به‌عنوان قدیمی‌ترین و فعال‌ترین اتاق بازرگانی کشور و اصلی‌ترین پارلمان بخش خصوصی، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های نهادی استان در توسعه صادرات غیرنفتی محسوب می‌شود. بخش قابل‌توجهی از بنگاه‌های بزرگ صنعتی، معدنی، تجاری، مالی و دانش‌بنیان کشور در این نهاد عضویت دارند و همین امر، اتاق تهران را به مهم‌ترین کانون تعامل میان بخش خصوصی، دولت و بازارهای بین‌المللی تبدیل کرده است. این اتاق از طریق توسعه دیپلماسی اقتصادی، برگزاری و پذیرش هیئت‌های تجاری، همکاری با اتاق‌های مشترک، ارائه خدمات تخصصی صادرات، مطالعات بازار و انتقال مطالبات بخش خصوصی، نقش مؤثری در تسهیل تجارت خارجی و گسترش بازارهای صادراتی ایفا می‌کند. همچنین حضور در مجامع بین‌المللی، بیانگر جایگاه و ظرفیت این نهاد در تقویت ارتباطات اقتصادی بین‌المللی و حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران است.

بازار بزرگ داخلی، تمرکز سرمایه انسانی، خدمات مالی و زنجیره تأمین؛ استان تهران به دلیل برخورداری از بزرگ‌ترین بازار مصرف کشور، تمرکز نیروی انسانی متخصص، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، استقرار عمده بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و نهادهای مالی و همچنین شکل‌گیری گسترده‌ترین زنجیره‌های تأمین، تولید و توزیع کشور، از مزیت‌های ساختاری مهمی برای توسعه صادرات غیرنفتی برخوردار است. این ظرفیت‌ها ضمن کاهش هزینه‌های مبادله و تأمین مالی، امکان دسترسی بنگاه‌ها به نیروی کار ماهر، خدمات تخصصی، شبکه تأمین‌کنندگان و بازار اولیه فروش را فراهم کرده و زمینه ارتقای بهره‌وری، شکل‌گیری صرفه‌های ناشی از مقیاس، افزایش رقابت‌پذیری و توسعه حضور محصولات استان در بازارهای بین‌المللی را تقویت می‌کنند.



۷. آسیب‌شناسی صادرات غیرنفتی استان تهران

آسیب‌شناسی صادرات غیرنفتی استان تهران را می‌توان در چهار محور اصلی طبقه‌بندی کرد: دسترسی به بازارهای هدف، عوامل محیطی و نهادی مؤثر بر صادرات، الزامات و محدودیت‌های تولید صادرات‌محور و زیرساخت‌های پشتیبان و توسعه‌دهنده صادرات. بررسی هم‌زمان این چهار محور، امکان شناسایی دقیق‌تر موانع موجود در مسیر تبدیل ظرفیت‌های تولیدی و تجاری استان به مزیت صادراتی پایدار را فراهم می‌کند (عزیززاده و همکاران، ۱۴۰۲). در ادامه به اختصار درخصوص هر کدام توضیح داده خواهد شد.



۱. توان توسعه بازارهای صادراتی استان

تمرکز بخش قابل توجهی از واحدهای صنعتی، شرکت‌های بازرگانی، شرکت‌های دانش‌بنیان، تشکلهای اقتصادی و نهادهای پشتیبان تجارت در استان تهران، ظرفیت مناسبی برای توسعه بازارهای صادراتی فراهم کرده است. با این حال، بررسی ترکیب جغرافیایی صادرات ثبت‌شده در گمرکات استان نشان می‌دهد این ظرفیت هنوز به تنوع مناسب در بازارهای مقصد صادراتی منجر نشده است. بر اساس آمار ده‌ماهه سال ۱۴۰۴، سه مقصد اصلی صادرات ثبت‌شده در گمرکات استان، شامل کنیا، ترکیه و عراق، در مجموع بیش از ۵۶ درصد ارزش صادرات را به خود اختصاص داده‌اند که بیانگر تمرکز نسبتاً بالای جریان صادرات ثبت‌شده در گمرکات استان در تعداد محدودی از بازارهای هدف است.

تمرکز جغرافیایی صادرات، ریسک تجاری را در برابر تغییرات اقتصادی، سیاسی و مقرراتی کشورهای مقصد افزایش می‌دهد. تغییر سیاست‌های وارداتی، نوسانات نرخ ارز، اختلال در زنجیره‌های حمل‌ونقل، کاهش تقاضا یا بروز تنش‌های سیاسی در بازارهای اصلی می‌تواند بر جریان صادرات ثبت‌شده در گمرکات استان اثرگذار باشد. از این‌رو، تنوع‌بخشی به بازارهای هدف، یکی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری صادرات محسوب می‌شود.

با این حال، توسعه بازارهای صادراتی صرفاً به شناسایی مقاصد جدید یا افزایش حجم صادرات محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد حضور مؤثر و مستمر در بازارهای هدف از طریق شناخت نیازهای مشتریان، رعایت استانداردهای فنی، توسعه شبکه‌های توزیع، برندسازی، بازاریابی حرفه‌ای و ارائه خدمات پس از فروش است. در این زمینه، بنگاه‌های کوچک و متوسط معمولاً با چالش‌هایی نظیر محدود بودن اطلاعات بازار، هزینه بالای ورود به بازارهای جدید، ضعف در بازاریابی بین‌المللی، محدود بودن شبکه‌های فروش و نمایندگی‌های خارجی و دسترسی محدود به خدمات تخصصی توسعه صادرات مواجه هستند. این محدودیت‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت‌های صادراتی بنگاه‌ها برای ورود و تثبیت حضور در بازارهای جدید را با چالش مواجه کرده است. از طرفی ضعف روابط بانکی، محدودیت‌های نقل و انتقال مالی و ناکافی بودن دیپلماسی اقتصادی با کشورهای هدف را



از مهم‌ترین موانع توسعه بازارهای صادراتی است. از این منظر، تنوع بخشی به بازارهای هدف صرفاً با اعزام هیئت‌های تجاری محقق نخواهد شد، بلکه نیازمند ایجاد سازوکارهای مؤثر مالی و پرداخت، توسعه شبکه‌های توزیع، شناسایی شرکای تجاری معتبر و حضور مستمر و سازمان‌یافته در بازارهای هدف است.

۲. عوامل محیطی مؤثر در صادراتی؛

عملکرد صادرات غیرنفتی، علاوه بر توان تولیدی و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر محیط کلان اقتصادی، سیاست‌های تجاری و ارزی، چارچوب‌های نهادی و روابط بین‌المللی قرار دارد. در این میان، ثبات و قابلیت پیش‌بینی سیاست‌های اقتصادی، دسترسی به نظام مالی بین‌المللی و انسجام مقررات تجاری از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که بر هزینه، ریسک و امکان برنامه‌ریزی فعالیت‌های صادراتی اثر می‌گذارند. بررسی دیدگاه‌های فعالان اقتصادی استان تهران نیز نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از چالش‌های توسعه صادرات، ریشه در عوامل محیطی و برون‌بنگایی دارد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های محیطی، بی‌ثباتی مقررات و سیاست‌های ارزی است. از دیدگاه بخش خصوصی، نحوه اجرای سیاست‌های رفع تعهد ارزی، تعدد نرخ‌های ارز، تغییرات مکرر ضوابط بازگشت ارز حاصل از صادرات، تغییر ارزش پایه صادراتی، اعمال محدودیت‌ها و عوارض صادراتی، تأخیر در استرداد مالیات بر ارزش افزوده و تغییر رویه‌های ثبت سفارش مواد اولیه و ماشین‌آلات، موجب افزایش هزینه مبادله و کاهش قابلیت پیش‌بینی فعالیت‌های صادراتی شده است. این شرایط، امکان انعقاد قراردادهای بلندمدت با شرکای خارجی و برنامه‌ریزی برای توسعه بازارهای صادراتی را محدود می‌کند. فعالان اقتصادی استان تهران نیز در نشست‌های شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، پیمان‌سپاری ارزی و ناپایداری مقررات را از مهم‌ترین موانع توسعه صادرات بخش خصوصی عنوان کرده‌اند.

علاوه بر این، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی و بانکی همچنان یکی از مهم‌ترین موانع محیطی صادرات غیرنفتی به شمار می‌رود. محدود شدن روابط کارگزاری بانکی، دشواری دریافت وجوه صادراتی، افزایش هزینه و زمان انتقال ارز، محدودیت استفاده از ابزارهای متعارف تأمین مالی تجارت و افزایش ریسک مبادلات بین‌المللی، هزینه تجارت خارجی را برای صادرکنندگان افزایش داده است. در چنین شرایطی، استفاده از صرافی‌ها، واسطه‌های تجاری و روش‌های غیرمستقیم انتقال وجوه، اگرچه بخشی از مبادلات را امکان‌پذیر ساخته، اما موجب افزایش هزینه‌های مبادله، کاهش شفافیت مالی و تضعیف رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در بازارهای بین‌المللی شده است. این محدودیت‌ها به‌ویژه برای صادرات کالاهای با فناوری بالاتر، محصولات دانش‌بنیان، دارویی، تجهیزات پزشکی و خدمات فنی و مهندسی که مستلزم قراردادهای رسمی، خدمات مالی و بانکی و ارائه ضمانت‌های تجاری هستند، آثار گسترده‌تری به همراه دارد.

در مجموع، بررسی شرایط محیطی حاکم بر صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد که بخشی از موانع توسعه صادرات استان تهران، خارج از حوزه اختیارات بنگاه‌ها و سیاست‌گذاران استانی قرار دارد و ریشه در سیاست‌های کلان اقتصادی، نظام ارزی، چارچوب‌های مقرراتی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی دارد. از این‌رو، بهبود محیط کسب و کار صادراتی مستلزم افزایش ثبات و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌های تجاری و ارزی، کاهش نااطمینانی‌های مقرراتی و تسهیل تعاملات مالی و بانکی با بازارهای بین‌المللی است.



۳. عوامل مؤثر بر تولید صادراتی؛

توسعه صادرات غیرنفتی، علاوه بر دسترسی به بازارهای خارجی و ثبات محیط کسب و کار، مستلزم وجود ظرفیت تولیدی رقابت پذیر در داخل کشور است. توان تولید صادراتی بنگاه‌ها تحت تأثیر عواملی همچون دسترسی به منابع مالی، بهره‌وری عوامل تولید، پایداری تأمین نهاده‌ها، کیفیت محصولات، انطباق با استانداردهای بین‌المللی و توان نوآوری قرار دارد. اگرچه استان تهران از نظر تمرکز صنایع، سرمایه انسانی، شرکت‌های دانش‌بنیان و ظرفیت‌های فناورانه جایگاه ممتازی در اقتصاد کشور دارد، اما بررسی عملکرد صادراتی نشان می‌دهد بخشی از این ظرفیت‌ها هنوز به مزیت صادراتی پایدار تبدیل نشده است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های تولید صادرات‌محور، محدودیت دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی است. نرخ بالای تأمین مالی، دشواری دریافت تسهیلات سرمایه در گردش و سرمایه‌گذاری، محدودیت دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به اعتبارات بانکی و کمبود ابزارهای نوین تأمین مالی، امکان نوسازی خطوط تولید، ارتقای فناوری، توسعه ظرفیت تولید و حضور مؤثر در بازارهای صادراتی را محدود کرده است. این مسئله در صنایعی که نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر برای ارتقای کیفیت، اخذ استانداردهای بین‌المللی و توسعه محصولات جدید هستند، اهمیت بیشتری دارد. در کنار محدودیت‌های مالی، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید نیز یکی از موانع ارتقای رقابت‌پذیری صادراتی محسوب می‌شود. بهره‌وری پایین سرمایه، نیروی کار و فناوری، موجب افزایش هزینه تمام‌شده تولید، کاهش انعطاف‌پذیری بنگاه‌ها در رقابت قیمتی و محدود شدن توان حضور در بازارهای بین‌المللی می‌شود. در شرایطی که تولیدکنندگان رقیب در بسیاری از کشورها از فناوری‌های پیشرفته، مقیاس تولید بزرگ‌تر و زنجیره‌های تأمین کارآمدتر بهره می‌برند، ارتقای بهره‌وری به یکی از الزامات اصلی توسعه صادرات تبدیل شده است.

از سوی دیگر، ناپایداری تأمین انرژی در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی بخش تولید تبدیل شده است. محدودیت در تأمین برق و گاز، به‌ویژه در دوره‌های اوج مصرف، موجب کاهش ظرفیت عملیاتی واحدهای صنعتی، افزایش هزینه‌های تولید، اختلال در اجرای برنامه‌های تولید و تأخیر در ایفای تعهدات صادراتی شده است. استمرار این شرایط، علاوه بر کاهش قابلیت اطمینان بنگاه‌ها نزد مشتریان خارجی، بر توان رقابتی صنایع صادرات‌محور نیز اثر منفی می‌گذارد. بر اساس سالنامه آماری استان تهران (۱۴۰۳)، سهم فروش برق به تفکیک نوع مصرف نشان می‌دهد که ۲۱.۷ درصد از برق مصرفی استان به بخش صنعت اختصاص دارد که بیانگر جایگاه قابل توجه این بخش در ساختار مصرف انرژی استان است. از این‌رو، هرگونه اختلال در تأمین پایدار انرژی، به دلیل وابستگی بالای فعالیت‌های صنعتی به برق و گاز، مستقیماً بر عملکرد واحدهای تولیدی و ظرفیت صادراتی استان اثرگذار باشد.

بررسی ترکیب کالایی صادرات ثبت‌شده در گمرکات استان نیز نشان می‌دهد ساختار صادرات گمرکات استان از تمرکز قابل توجهی برخوردار است. تمرکز بالای صادرات در تعداد محدودی از اقلام، آسیب‌پذیری صادرات را در برابر نوسانات تقاضا، تغییرات مقررات تجاری، اختلالات زنجیره تأمین و تحولات بازار همان کالاها افزایش می‌دهد و بیانگر تنوع محدود سبد صادراتی گمرکات است. این در حالی است که ساختار تولید استان تهران از تنوع قابل توجهی برخوردار است و صنایعی مانند داروسازی، تجهیزات پزشکی، ماشین‌آلات، قطعات خودرو، صنایع غذایی، پوشاک، تجهیزات الکترونیکی و خدمات فنی و مهندسی از ظرفیت مناسبی برای حضور در بازارهای بین‌المللی برخوردارند. با وجود این، سهم بسیاری از کالاهای با فناوری



بالاتر و ارزش افزوده بیشتر در سبد صادراتی استان همچنان محدود است که نشان می‌دهد ظرفیت‌های تولیدی موجود هنوز به‌طور کامل به صادرات پایدار و رقابت‌پذیر تبدیل نشده‌اند.

این موضوع در بررسی ساختار صنعتی استان نیز قابل مشاهده است. بر اساس آنچه در بخش‌های قبل بررسی شد، تهران در رشته‌هایی نظیر تولید وسایل نقلیه، ماشین‌آلات، محصولات فلزی، دارو، چاپ، پوشاک، تجهیزات رایانه‌ای و الکترونیکی از سهم قابل توجهی در ارزش افزوده، اشتغال و تمرکز فعالیت‌های صنعتی برخوردار است، اما جایگاه این صنایع در ترکیب صادراتی استان متناسب با ظرفیت تولیدی آنها نیست. این شکاف نشان می‌دهد که تخصص صنعتی، لزوماً به مزیت صادراتی بالفعل منجر نمی‌شود و تبدیل ظرفیت تولید به صادرات رقابت‌پذیر، مستلزم فراهم بودن مجموعه‌ای از پیش‌نیازهای فناورانه، مالی، مدیریتی و بازاری است.

در مجموع، به نظر می‌رسد، مهم‌ترین چالش تولید صادرات محور در استان تهران، کمبود ظرفیت صنعتی نیست، بلکه ضعف در تبدیل ظرفیت‌های تولیدی به محصولات رقابت‌پذیر در بازارهای بین‌المللی است. محدودیت دسترسی به منابع مالی، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید، ناپایداری تأمین انرژی و تمرکز سبد صادراتی موجب شده است بخشی از مزیت‌های صنعتی استان به مزیت صادراتی پایدار تبدیل نشود. از این رو، ارتقای بهره‌وری، تسهیل تأمین مالی تولید، توسعه فناوری و نوآوری، بهبود پایداری تأمین انرژی و حمایت از تولید کالاهای با ارزش افزوده و فناوری بالاتر، از مهم‌ترین الزامات تقویت تولید صادرات محور در استان تهران به شمار می‌رود.

۴. زیرساخت‌های پشتیبان و ارتقای صادرات؛ کارایی زیرساخت‌های پشتیبان تجارت، یکی از عوامل تعیین‌کننده در رقابت‌پذیری صادرات غیرنفتی محسوب می‌شود. اگرچه استان تهران به دلیل شبکه گسترده حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی، گمرکات متعدد، شهرک‌های صنعتی و تمرکز خدمات بازرگانی، از جایگاه ویژه‌ای در نظام تجارت خارجی کشور برخوردار است، اما وجود این زیرساخت‌های فیزیکی به تنهایی تضمین‌کننده توسعه صادرات نیست. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد رقابت‌پذیری صادرات بیش از آنکه به حجم زیرساخت‌های موجود وابسته باشد، به میزان کارایی، یکپارچگی و هماهنگی میان اجزای زنجیره خدمات صادراتی بستگی دارد.

بررسی دیدگاه‌های فعالان اقتصادی استان تهران نیز نشان می‌دهد بخشی از چالش‌های صادرات، ناشی از کاستی‌های موجود در نظام لجستیک و خدمات پشتیبان تجارت است. ضعف ارتباط مؤثر میان شهرک‌های صنعتی، گمرکات، فرودگاه و شبکه ریلی، محدودیت خدمات تخصصی انبارداری، سردخانه‌ای، بسته‌بندی و حمل کالاهای حساس، تعدد فرآیندهای اداری و ناهماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، موجب افزایش زمان، هزینه و عدم قطعیت در فرآیند صادرات شده است. این در حالی است که بر اساس ادبیات تجارت بین‌الملل، کارایی لجستیک صرفاً به کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل محدود نمی‌شود، بلکه عواملی نظیر سرعت و شفافیت تشریفات گمرکی، کیفیت خدمات لجستیکی، دسترسی به خدمات حمل‌ونقل رقابتی، قابلیت رهگیری محموله‌ها و تحویل به موقع کالا نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای رقابت‌پذیری صادرات ایفا می‌کنند.

در مجموع، ناکارآمدی نسبی زنجیره خدمات پشتیبان صادرات و ضعف هماهنگی میان اجزای آن چالش دیگری بر مسیر توسعه صادرات غیرنفتی استان است. افزایش رقابت‌پذیری صادرات استان، مستلزم تکمیل و یکپارچه‌سازی زنجیره خدمات لجستیکی، ارتقای کیفیت خدمات توسعه تجارت، تسهیل فرآیندهای گمرکی، تقویت خدمات بازاریابی و برندسازی، توسعه



مراکز تجاری در بازارهای اولویت‌دار و بهره‌گیری مؤثرتر از ظرفیت نهادهای پشتیبان تجارت است. چنین رویکردی می‌تواند زمینه کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش حضور پایدار بنگاه‌های استان در بازارهای بین‌المللی و ارتقای ارزش افزوده صادرات غیرنفتی را فراهم سازد.

۸. مدل همکاری دولت و اتاق بازرگانی

نتایج گزارش تاکنون نشان می‌دهد که وضعیت صادرات غیرنفتی استان تهران نشان می‌دهد که چالش اصلی، کمبود ظرفیت‌های تولیدی یا صنعتی نیست، بلکه ضعف در بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها برای حضور پایدار در بازارهای بین‌المللی است. با وجود تمرکز قابل توجه زیرساخت‌های صنعتی، فناوری، لجستیک، سرمایه انسانی و خدمات پشتیبان در استان، بخشی از این مزیت‌ها هنوز به افزایش صادرات، تنوع بازارهای هدف و ارتقای جایگاه استان در زنجیره‌های ارزش جهانی منجر نشده است. این وضعیت بیش از آنکه ناشی از محدودیت‌های درون‌بنگاهی باشد، ریشه در چالش‌های نهادی و حکمرانی از جمله ناپایداری مقررات، ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، محدودیت دسترسی به اطلاعات بازارهای خارجی، دشواری تأمین مالی صادرات، ناکارآمدی برخی خدمات پشتیبان و فقدان سازوکار منسجم برای هم‌افزایی میان دولت و بخش خصوصی دارد.

از این‌رو، توسعه صادرات غیرنفتی استان مستلزم استقرار الگویی مبتنی بر حکمرانی مشارکتی است؛ الگویی که در آن دولت و اتاق بازرگانی، به‌عنوان دو رکن اصلی سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه صادرات، دارای نقش‌های مکمل و مسئولیت‌های مشخص باشند. بر این اساس، همکاری دولت و اتاق نباید به تعاملات موردی یا جلسات مشورتی محدود شود، بلکه لازم است در قالب یک سازوکار نهادی پایدار، فرآیند شناسایی ظرفیت‌ها، اولویت‌بندی مداخلات، اجرای برنامه‌های توسعه صادرات و پایش نتایج به‌صورت مشترک دنبال شود. این رویکرد با تجربه کشورهای موفق در توسعه صادرات نیز همخوانی دارد؛ به‌گونه‌ای که OECD بر نهادهای سازگفت‌وگوی ساختاریافته میان دولت و بخش خصوصی، تقسیم شفاف مسئولیت‌ها و تبدیل نتایج این تعاملات به اقدامات اجرایی و سیاستی تأکید می‌کند (OECD، ۲۰۲۵).

ساختار نهادی مدل پیشنهادی:

اجرای الگوی همکاری دولت و اتاق بازرگانی مستلزم ایجاد یک سازوکار نهادی پایدار و فرابخشی است. در این راستا، پیشنهاد می‌شود کارگروه/شورای راهبردی توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران با مشارکت دولت و بخش خصوصی تشکیل شود. ریاست این کارگروه می‌تواند به‌صورت مشترک بر عهده دولت و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران باشد و نمایندگان سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گمرک، شرکت شهرک‌های صنعتی، شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)، بندر خشک آپرین، راه‌آهن، صندوق ضمانت صادرات ایران، شبکه بانکی، سازمان ملی استاندارد، تشکلهای تخصصی و نمایندگان صنایع و رشته‌فعالیت‌های اولویت‌دار در آن حضور داشته باشند.



کارکرد این کارگروه/شورا فراتر از هماهنگی‌های اداری و برگزاری نشست‌های مشورتی خواهد بود. این نهاد باید مسئول شناسایی گلوگاه‌های توسعه صادرات، تعیین اولویت‌های مداخله، تقسیم مسئولیت میان دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی، تدوین برنامه‌های عملیاتی و پایش مستمر اجرای آن‌ها باشد. بر این اساس، برای هر اقدام، دستگاه مسئول، زمان‌بندی اجرا، منابع موردنیاز، شاخص‌های ارزیابی عملکرد و سازوکار گزارش‌دهی مشخص خواهد شد تا امکان ارزیابی میزان تحقق اهداف و پاسخگویی دستگاه‌های ذی‌ربط فراهم شود.

در این راستا پیشنهاد می‌شود، دبیرخانه دائمی کارگروه/شورا در اتاق بازرگانی تهران مستقر باشد. اتاق تهران به دلیل ارتباط مستمر با بنگاه‌های اقتصادی، تشکل‌های تخصصی، صادرکنندگان و اتاق‌های مشترک، از ظرفیت مناسبی برای احصای مسائل بخش خصوصی، جمع‌آوری اطلاعات بازار و پیگیری اجرای مصوبات برخوردار است. در مقابل، دولت و سایر دستگاه‌های اجرایی نیز با بهره‌مندی از اختیارات قانونی در حوزه هماهنگی بین‌دستگاهی، اصلاح رویه‌ها و تخصیص منابع عمومی، زمینه تحقق تصمیمات و رفع موانع اجرایی را فراهم می‌کنند. استقرار دبیرخانه در اتاق تهران می‌تواند ضمن تقویت نقش بخش خصوصی در فرآیند سیاست‌گذاری، ارتباط میان تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌های توسعه صادرات را نیز تسهیل کند.

تقسیم کار نهادی میان دولت و اتاق بازرگانی تهران:

موفقیت الگوی همکاری دولت و اتاق بازرگانی مستلزم تفکیک روشن مسئولیت‌ها و بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی هر یک از طرفین است. در این چارچوب، دولت و دستگاه‌های اجرایی مسئول ایجاد بسترهای نهادی و زیرساختی توسعه صادرات خواهند بود. این مسئولیت، اصلاح و هماهنگ‌سازی مقررات، تسهیل فرآیندهای گمرکی و استاندارد، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک، بهبود دسترسی بنگاه‌ها به ابزارهای مالی، بیمه‌ای و ضمانتی، رفع گلوگاه‌های اجرایی و پیگیری مسائل فرابخشی از جمله تعهدات ارزی، محدودیت‌های مقرراتی و موانع تجارت خارجی در سطوح ملی را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، نقش دولت در این الگو، بهبود محیط نهادی و کاهش هزینه‌های مبادله برای فعالیت‌های صادراتی است.

در مقابل، اتاق بازرگانی تهران با اتکا به ارتباط مستقیم با بنگاه‌های اقتصادی و تشکل‌های تخصصی، نقش توسعه‌گر بازار و تسهیل‌گر فعالیت‌های صادراتی بخش خصوصی را ایفا می‌کند. شناسایی بنگاه‌های دارای ظرفیت صادرات، ارزیابی آمادگی صادراتی، انجام مطالعات بازار، توسعه شبکه‌های تجاری، سازماندهی هیئت‌های تجاری، تقویت همکاری با اتاق‌های مشترک و شرکای خارجی، آموزش و توانمندسازی صادرکنندگان، حمایت از تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی و انتقال نظام‌مند مسائل و پیشنهادهای بخش خصوصی به سیاست‌گذاران، از مهم‌ترین کارکردهای اتاق در این چارچوب خواهد بود.

در این الگو، اتاق بازرگانی صرفاً نقش مشورتی یا مطالبه‌گری ندارد، بلکه به‌عنوان بازوی اجرایی دولت در توسعه بازارهای صادراتی و نماینده سازمان‌یافته بخش خصوصی، در طراحی، اجرا و پایش برنامه‌های توسعه صادرات مشارکت فعال خواهد داشت. تعامل مستمر میان دولت و اتاق، ضمن افزایش اثربخشی سیاست‌های حمایتی، زمینه هم‌راستایی مداخلات عمومی با نیازهای واقعی بنگاه‌های صادرات‌محور را فراهم کرده و به ارتقای رقابت‌پذیری صادرات غیرنفتی استان کمک می‌کند.

الگوی توسعه بازارهای هدف بر مبنای مزیت‌های رقابتی استان:

اثربخشی سیاست‌های حمایتی، بیش از هر چیز به تمرکز بر زنجیره‌های ارزش دارای مزیت رقابتی و بازارهای هدف مشخص وابسته است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های توسعه صادرات استان تهران در این الگو به جای رویکردهای عمومی و یکسان برای تمامی بنگاه‌ها، بر مجموعه‌ای از رشته‌فعالیت‌های اولویت‌دار با قابلیت حضور در بازارهای بین‌المللی متمرکز شود. انتخاب این رشته‌ها می‌تواند بر پایه شاخص‌هایی نظیر مزیت نسبی، ارزش افزوده، سهم در اشتغال، توان فناوریانه، ظرفیت صادراتی و چشم‌انداز تقاضا در بازارهای خارجی صورت گیرد. با توجه به ساختار اقتصادی استان، صنایعی نظیر دارو و تجهیزات پزشکی، ماشین‌آلات و تجهیزات، محصولات فلزی، تجهیزات برقی و الکترونیکی، صنایع غذایی، پوشاک و خدمات فنی و مهندسی، از جمله گزینه‌های دارای اولویت محسوب می‌شوند.

برای هر یک از این زنجیره‌های ارزش، لازم است برنامه توسعه بازار به تفکیک کشورهای هدف تدوین شود. این برنامه باید شامل تحلیل تقاضای بازار، الزامات فنی و استانداردها، تعرفه‌ها و مقررات تجاری، شبکه‌های توزیع، رقبا، روش‌های تأمین مالی و پرداخت، الزامات حمل‌ونقل و لجستیک، فرصت‌های حضور در نمایشگاه‌های تخصصی، شناسایی خریداران بالقوه و نیازهای اصلاح یا تطبیق محصول باشد. اجرای این رویکرد موجب خواهد شد سیاست‌های توسعه صادرات از اقدامات پراکنده و کوتاه‌مدت فاصله گرفته و به برنامه‌های هدفمند، مبتنی بر مزیت‌های رقابتی استان و متناسب با ویژگی‌های هر بازار تبدیل شوند؛ موضوعی که می‌تواند اثربخشی حمایت‌های دولت و اتاق بازرگانی را به نحو قابل توجهی افزایش دهد.

تجربه موفق بین‌المللی در حکمرانی توسعه صادرات؛ مطالعه موردی فرانسه:

یکی از موفق‌ترین نمونه‌های همکاری نهادی میان دولت و بخش خصوصی در حوزه توسعه صادرات، برنامه Team France Export در فرانسه است. این برنامه از سال ۲۰۱۸ با هدف یکپارچه‌سازی نظام حمایت از صادرات و رفع پراکندگی وظایف میان نهادهای مختلف آغاز شد. پیش از اجرای این طرح، خدمات مرتبط با توسعه صادرات از سمت دستگاه‌های متعددی ارائه می‌شد که این امر موجب موازی بودن وظایف، افزایش هزینه‌های مبادله و سردرگمی بنگاه‌ها در دسترسی به خدمات صادراتی شده بود.

در پاسخ به این چالش، دولت فرانسه با ایجاد یک چارچوب همکاری نهادی، شبکه‌ای یکپارچه متشکل از دولت مرکزی، دولت‌های منطقه‌ای، شبکه اتاق‌های بازرگانی و صنعت فرانسه، آژانس ملی حمایت از توسعه بین‌المللی اقتصاد فرانسه و بانک توسعه سرمایه‌گذاری را شکل داد تا خدمات مورد نیاز بنگاه‌ها در یک مسیر منسجم و هماهنگ ارائه شود.

در این الگو، هر یک از نهادهای متناسب با مأموریت و مزیت تخصصی خود ایفای نقش می‌کنند. دولت‌های منطقه‌ای مسئول تعیین اولویت‌های توسعه صادرات متناسب با مزیت‌های اقتصادی هر منطقه هستند. اتاق‌های بازرگانی به‌عنوان نخستین نقطه تماس بنگاه‌ها، وظیفه شناسایی شرکت‌های مستعد صادرات، ارزیابی آمادگی صادراتی و هدایت آنها به خدمات تخصصی را بر عهده دارند. آژانس ملی حمایت از توسعه بین‌المللی اقتصاد فرانسه نیز مسئول ارائه اطلاعات بازار، شناسایی مشتریان، توسعه شبکه‌های تجاری و پشتیبانی از ورود بنگاه‌ها به بازارهای بین‌المللی است، در حالی که بانک توسعه سرمایه‌گذاری ابزارهای مالی، اعتباری و ضمانتی مورد نیاز برای بین‌المللی شدن بنگاه‌ها را فراهم می‌کند. ارائه این خدمات از طریق یک پنجره واحد منطقه‌ای موجب شده است بنگاه‌ها بدون مراجعه به دستگاه‌های متعدد، تمامی خدمات مورد نیاز خود را از طریق یک مسیر مشخص و با همراهی یک مشاور تخصصی دریافت کنند.



ویژگی متمایز این تجربه، تقسیم کار نهادی میان دولت و اتاق بازرگانی است. در این مدل، دولت مسئول طراحی سیاست‌ها، تأمین منابع و بهبود محیط نهادی فعالیت‌های صادراتی است، در حالی که اتاق‌های بازرگانی با اتکا به ارتباط نزدیک با بنگاه‌ها، مسئول شناسایی نیازهای بخش خصوصی، توانمندسازی صادرکنندگان و توسعه بازارهای هدف هستند. بدین ترتیب، نه دولت جایگزین بخش خصوصی شده و نه اتاق صرفاً نقش مشورتی ایفا می‌کند؛ بلکه هر دو نهاد در قالب یک سازوکار نهادی مشترک، مسئولیت اجرای سیاست‌های توسعه صادرات را بر عهده دارند.

ارزیابی‌های منتشرشده از عملکرد Team France Export نیز بیانگر اثربخشی این رویکرد است. بر اساس این گزارش، حدود ۹۴ درصد شرکت‌هایی که در سال ۲۰۲۰ تحت حمایت این شبکه قرار گرفته و فعالیت صادراتی داشته‌اند، در سال ۲۰۲۱ نیز حضور خود را در بازارهای خارجی حفظ کرده‌اند؛ در حالی که این نسبت برای کل صادرکنندگان فرانسه ۷۷ درصد بوده است. همچنین، در همین سال ۷۲۱ بنگاه برای نخستین بار فعالیت صادراتی قابل اندازه‌گیری را آغاز کردند (آژانس ملی حمایت از توسعه بین‌المللی اقتصاد فرانسه، ۲۰۲۱).

با توجه به ظرفیت‌های صنعتی، فناورانه و نهادی استان تهران، تجربه فرانسه می‌تواند مبنای طراحی یک شبکه یکپارچه توسعه صادرات استان تهران قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود اجرای این الگو در مرحله نخست به‌صورت آزمایشی و بر روی چند زنجیره ارزش دارای مزیت رقابتی استان، از جمله صنایع دارویی و تجهیزات پزشکی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی و صنایع غذایی، در تعدادی بازار هدف منتخب آغاز شود. ارزیابی نتایج این مرحله می‌تواند بر اساس شاخص‌هایی نظیر افزایش تعداد صادرکنندگان پایدار، رشد ارزش صادرات، تنوع‌بخشی به بازارهای مقصد، توسعه قراردادهای تجاری، کاهش زمان ارائه خدمات صادراتی و میزان رضایت بنگاه‌ها انجام گیرد. در صورت موفقیت، الگو قابلیت تعمیم به سایر رشته‌فعالیت‌های صادرات‌محور استان را خواهد داشت.

۹. نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد های سیاستی

شناسایی مزیت های صادراتی در این گزارش بر پایه ظرفیت های تولیدی، ساختار صنعتی، تخصص نسبی فعالیت ها، زیرساخت های پشتیبان، عملکرد صادراتی و زنجیره های دارای قابلیت توسعه در استان تهران انجام شده است. بدیهی است تبدیل این ظرفیت ها به مزیت رقابتی پایدار در بازارهای بین المللی، علاوه بر توان تولید، به مجموعه ای از عوامل برون بنگاهی و برون استانی از جمله قیمت های جهانی، کشش تقاضا در بازارهای هدف، هزینه های حمل و نقل و لجستیک، شبکه های توزیع، استانداردها و الزامات فنی، سیاست های تجاری، نرخ ارز و شرایط رقابتی بازارهای مقصد نیز وابسته است. از آنجا که بررسی این متغیرها مستلزم تحلیل اختصاصی هر بازار و هر محصول صادراتی است، این موضوع خارج از دامنه این گزارش بوده و می تواند در مطالعات تکمیلی برای زنجیره های منتخب مورد بررسی قرار گیرد.

توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران مستلزم گذار از مجموعه ای از اقدامات پراکنده، مقطعی و رویدادمحور به یک نظام منسجم توسعه صادرات با محوریت بنگاه، زنجیره ارزش و بازار هدف است. در چنین چارچوبی دستگاه های اجرایی باید بر رفع موانع نهادی، مقرراتی و زیرساختی تمرکز کنند؛ اتاق تهران به عنوان حلقه اتصال بخش خصوصی با شبکه خدمات صادراتی، مسئول شناسایی و هدایت بنگاه های مستعد صادرات باشد؛ نهادهای مالی و ضمانتی ابزارهای متناسب با ریسک و نیاز بنگاه های صادرات محور فراهم سازند و خدمات استاندارد، بازاریابی، لجستیک، تأمین مالی و دیپلماسی اقتصادی حول زنجیره های ارزش و بازارهای اولویت دار سازمان دهی شوند.

با توجه به قرار گرفتن کشور در شرایط نااطمینانی اقتصادی و سیاسی، تداوم تحریم ها، نوسانات ارزی، محدودیت های مبادلات مالی، ناترازی انرژی، کمبود منابع آب و افزایش ریسک های ژئوپلیتیکی، سیاست توسعه صادرات استان باید علاوه بر رشد صادرات، بر تاب آوری تولید و تجارت نیز متمرکز باشد. از این رو، در ادامه مجموعه ای از اقدامات اجرایی و اولویت دار ارائه می شود:

جدول ۴. پیشنهاد های سیاستی برای توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران^{۱۱}

محورهای سیاستی	اقدام سیاستی و اجرایی
یکپارچه سازی حکمرانی صادرات استان تهران	به منظور یکپارچه سازی حکمرانی صادرات غیرنفتی استان تهران، همانطور که پیشتر بیان شد، پیشنهاد می شود کارگروه/شورای راهبری توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران با مشارکت استانداری، اتاق بازرگانی تهران و دستگاه های کلیدی مرتبط از جمله اداره کل صنعت، معدن و تجارت، گمرک، سازمان امور مالیاتی، شبکه بانکی کشور، صندوق ضمانت صادرات، سازمان توسعه تجارت و سایر نهادهای ذی ربط تشکیل شود. دبیرخانه دائمی این شورا در اتاق بازرگانی تهران مستقر بوده و مسئول هماهنگی بین دستگاهی، پایش اجرای مصوبات و .. به صورت مشخص شناسایی و معرفی شوند. این سازوکار، ضمن کاهش موازی کاری، تسریع فرآیندهای اداری و افزایش هماهنگی نهادی، زمینه ارائه خدمات مالی، گمرکی، استاندارد، لجستیکی و توسعه بازار را فراهم خواهد کرد.
انتخاب زنجیره های ارزش اولویت دار	با توجه به محدودیت منابع حمایتی، سیاست های توسعه صادرات استان تهران باید بر زنجیره های ارزش دارای بیشترین مزیت رقابتی و ظرفیت خلق ارزش افزوده متمرکز شود. از این رو، پیشنهاد می شود حمایت های هدفمند در اولویت نخست به زنجیره های ارزش دارو و تجهیزات پزشکی، ماشین آلات و

^{۱۱} پیشنهاد های سیاستی ارائه شده، حاصل تلفیق شواهد آماری، مطالعات اسنادی، مرور تجربه های موفق بین المللی و جمع بندی دیدگاه ها و دغدغه های فعالان اقتصادی و نمایندگان بخش خصوصی است.



تجهیزات صنعتی، صنایع غذایی فرآوری شده، تجهیزات برقی و محصولات دانش بنیان و فناوریانه اختصاص یابد. انتخاب و بازنگری این زنجیره های اولویت دار باید بر پایه یک نظام ارزیابی مبتنی بر شواهد و با اتکا به شاخص هایی نظیر ارزش افزوده، ضریب مکانی (LQ)، ظرفیت و روند تقاضای بازارهای هدف، توان صادراتی بنگاه ها، میزان اشتغال، عمق پیوندهای پسین و پیشین، ظرفیت توسعه فناوری و امکان تأمین پایدار نهاده های تولید انجام شود تا اثربخشی سیاست های حمایتی و بازده سرمایه گذاری های عمومی در توسعه صادرات به حداکثر برسد.	
به منظور افزایش اثربخشی حمایت های صادراتی، ضروری است بنگاه های دارای ظرفیت صادرات بر اساس شاخص هایی نظیر نوع محصول، ارزش افزوده، سابقه صادرات، ظرفیت تولید، انطباق با استانداردهای بین المللی، توان نوآوری و قابلیت حضور در بازارهای هدف شناسایی و اولویت بندی شوند. بر این اساس، حمایت های مالی، آموزشی، مشاوره ای و بازاریابی به صورت هدفمند بر بنگاه های منتخب متمرکز شود تا از پراکندگی منابع جلوگیری شده و بازده سیاست های توسعه صادرات افزایش یابد.	شناسایی بنگاه های آماده صادرات
برای هر یک از زنجیره های ارزش اولویت دار، نقشه جامع الزامات ورود به بازارهای هدف تدوین شود. این نقشه باید شامل استانداردهای فنی و کیفی، الزامات بهداشتی و قرنطینه ای، ضوابط بسته بندی و برچسب گذاری، الزامات ثبت و تأیید محصول، گواهی های انطباق، الزامات زیست محیطی و سایر مقررات فنی بازارهای هدف باشد تا بنگاه ها بتوانند محصولات خود را متناسب با نیازها و مقررات هر بازار طراحی، تولید و عرضه کنند.	انطباق محصول با بازار هدف
به منظور کاهش ریسک تمرکز جغرافیایی صادرات و افزایش پایداری حضور در بازارهای بین المللی، برای هر یک از زنجیره های ارزش اولویت دار، تعداد محدودی از بازارهای دارای بیشترین ظرفیت تجاری (حداکثر سه تا پنج بازار) بر اساس شاخص هایی نظیر اندازه و رشد بازار، مزیت تعرفه ای، شدت رقابت، سهولت دسترسی، الزامات مقرراتی، ظرفیت تقاضا و ... شناسایی و اولویت بندی شود. برای هر بازار منتخب نیز برنامه عملیاتی ورود و توسعه بازار شامل تحلیل ساختار تقاضا، شناسایی خریداران بالقوه، کانال های توزیع، شیوه های پرداخت، الزامات تجاری و مسیرهای حمل و نقل تدوین شود تا فعالیت های توسعه بازار بر مبنای اطلاعات دقیق و نیازهای واقعی هر بازار هدایت شود.	تنوع بخشی هدفمند به بازارها
به منظور ارتقای رقابت پذیری صادرات، لازم است کربدورهای تخصصی لجستیکی برای زنجیره های ارزش اولویت دار طراحی و عملیاتی شوند. در این چارچوب، فرآیندهای حمل و نقل، تشریفات گمرکی و جابه جایی کالا باید به گونه ای یکپارچه مدیریت شوند که زمان و هزینه انتقال کالا در تمامی مراحل زنجیره لجستیک به صورت مستمر پایش، اندازه گیری و ارزیابی شود. همچنین برای کالاهای حساس و دارای ارزش افزوده بالا، از جمله دارو، تجهیزات پزشکی و صنایع غذایی، توسعه خدمات تخصصی نظیر زنجیره سرد، بسته بندی استاندارد، رهگیری محموله و مسیرهای سبز تجاری در اولویت قرار گیرد تا زمان ترخیص و حمل کاهش یافته و قابلیت اطمینان زنجیره تأمین صادراتی افزایش یابد.	کاهش هزینه و زمان لجستیک
به منظور ارتقای نقش بند خشک آپرین به عنوان هاب لجستیکی صادرات استان تهران، لازم است تمامی خدمات مورد نیاز زنجیره صادرات، از جمله تشریفات گمرکی، بازرسی، انبارداری، بارگیری و خدمات پشتیبان، به صورت یکپارچه در این مجموعه مستقر و ارائه شود. همچنین، با توسعه خدمات حمل و نقل ریلی برنامه ریزی شده و اتصال منظم آپرین به بندار اصلی کشور، زمینه کاهش هزینه های لجستیکی، کوتاه شدن زمان انتقال کالا و افزایش قابلیت اطمینان زنجیره تأمین صادراتی فراهم شود.	توسعه بند خشک آپرین
به منظور رفع محدودیت های مالی بنگاه های صادراتی، توسعه ابزارهای تخصصی تأمین مالی صادرات، به ویژه سرمایه در گردش صادراتی، برای زنجیره های ارزش اولویت دار در دستور کار قرار گیرد. همچنین، پوشش مؤثر ریسک های تجاری و اعتباری از طریق توسعه خدمات بیمه و ضمانت صادرات،	تأمین مالی و پوشش ریسک صادرات



شامل بیمه اعتبار خریدار، پوشش ریسک‌های سیاسی و تجاری و تضمین مطالبات صادراتی، تقویت شود تا امکان حضور پایدار بنگاه‌ها در بازارهای بین‌المللی و کاهش ریسک مبادلات خارجی فراهم شود.	
به‌منظور ارتقای توان رقابتی شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs)، توسعه کنسرسیوم‌های صادراتی و شرکت‌های مدیریت صادرات به‌عنوان سازوکارهای تجمیع ظرفیت‌های تولیدی و صادراتی در دستور کار قرار گیرد. این سازوکارها با تجمیع محصولات بنگاه‌های هم‌رشته، امکان بهره‌گیری مشترک از خدماتی نظیر توسعه برند، بسته‌بندی، بازاریابی بین‌المللی، انعقاد قراردادهای صادراتی، ایجاد انبار و مراکز توزیع در بازارهای هدف و ارائه خدمات پس از فروش را فراهم کرده و هزینه‌های ورود به بازارهای خارجی را کاهش می‌دهند. همچنین، حمایت‌های عمومی از این نهادها باید مبتنی بر عملکرد و مشروط به دستیابی به شاخص‌های قابل سنجش از جمله توسعه بازار، افزایش صادرات و تداوم حضور در بازارهای هدف باشد.	پشتیبانی از شرکت‌های کوچک و متوسط
به‌منظور تسریع بین‌المللی‌سازی شرکت‌های دانش‌بنیان، لازم است برنامه‌ای هدفمند برای ورود و توسعه حضور این شرکت‌ها در بازارهای جهانی طراحی شود. این برنامه باید مجموعه‌ای یکپارچه از خدمات تخصصی، از جمله ارزیابی و اعتبارسنجی فناوری، حفاظت از حقوق مالکیت فکری، ثبت محصول و علائم تجاری در بازارهای هدف، شناسایی شرکای تجاری و فناوریانه و دسترسی به ابزارهای تأمین مالی صادرات را دربر گیرد. انتخاب شرکت‌های مشمول حمایت نیز باید بر اساس شواهد روشن از تقاضای خارجی، قابلیت تجاری‌سازی بین‌المللی و امکان توسعه پایدار صادرات انجام شود.	توسعه صادرات شرکت‌های دانش‌بنیان
به‌منظور حفظ تداوم تولید و ایفای تعهدات صادراتی، لازم است سازوکاری برای شناسایی و پایش نهاده‌های راهبردی و بحرانی زنجیره‌های ارزش صادراتی طراحی شود. در این چارچوب، دسترسی بنگاه‌های صادرات‌محور به مواد اولیه، تأمین ارز و سایر الزامات وارداتی و تولیدی بر اساس تعهدات صادراتی، سابقه عملکرد و میزان ارزش‌آفرینی آن‌ها اولویت‌بندی شود تا ریسک اختلال در تولید، وقفه در صادرات و از دست رفتن بازارهای هدف به حداقل برسد.	تداوم تأمین نهاده‌های تولیدی برای بنگاه‌های صادرات‌محور
حمایت از نوسازی فناوری، تجهیزات و ماشین‌آلات تولیدی باید در چارچوب برنامه‌های ارتقای بهره‌وری، بهبود کیفیت، کاهش شدت مصرف انرژی، توسعه محصولات صادرات‌محور و افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها انجام شود. تخصیص حمایت‌ها نیز باید به ارائه برنامه عملیاتی مشتمل بر شاخص‌های عملکردی قابل سنجش، وضعیت پایه و اهداف کمی در حوزه بهره‌وری، کیفیت، مصرف انرژی و توسعه صادرات مشروط شود تا اثربخشی سرمایه‌گذاری‌های حمایتی قابل ارزیابی باشد.	ارتقای فناوری و بهره‌وری تولید
خدمات آموزشی و مشاوره‌ای اتاق تهران در حوزه صادرات، به‌صورت مستمر وجود دارد. در این چارچوب، بنگاه‌ها می‌توانند متناسب با نیازهای هر معامله صادراتی، از مشاوره تخصصی در زمینه تنظیم قراردادهای بین‌المللی، قیمت‌گذاری صادراتی، حمل‌ونقل و لجستیک، مالیات، روش‌های پرداخت و مذاکرات تجاری برخوردار شوند تا ریسک معاملات کاهش یافته و احتمال ورود موفق و پایدار به بازارهای هدف افزایش یابد.	توسعه خدمات تخصصی و مهارت‌های کاربردی صادرات
برنامه‌های توسعه صادرات در حوزه‌های صادرات دیجیتال، خدمات حرفه‌ای، طراحی، بازاریابی بین‌المللی، تجارت الکترونیک و مدیریت بازارهای خارجی به گونه‌ای طراحی شوند که زمینه مشارکت مؤثر بنگاه‌های تحت مدیریت زنان و تیم‌های تخصصی جوان و دانش‌بنیان را فراهم کنند. این رویکرد ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوآورانه، به ارتقای مهارت‌های صادراتی، توسعه خدمات دانش‌بنیان و افزایش رقابت‌پذیری صادراتی کمک خواهد کرد.	توانمندسازی سرمایه انسانی در صادرات با تمرکز بر زنان و نیروهای متخصص



برای کاهش آسیب‌پذیری تجارت استان در برابر بحران‌هایی نظیر جنگ، تحریم و انسداد مسیرهای تجاری، لازم است برای کالاهای، زنجیره‌های ارزش و بازارهای اصلی، سناریوهای اختلال تجاری تدوین شود. این سناریوها باید مسیرهای جایگزین حمل‌ونقل، شیوه‌های جایگزین پرداخت و تسویه، الزامات ذخیره‌سازی نهاده‌های بحرانی و سازوکار ارتباط اضطراری با بنگاه‌ها را مشخص کنند تا در شرایط بحران، تداوم تولید، حمل و ایفای تعهدات صادراتی حفظ شود.	تقویت تاب‌آوری تجارت استان در برابر بحران‌ها
ثبات و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌های ارزی، تجاری و مالیاتی به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای توسعه صادرات تقویت شود و از اعمال مکرر تغییرات ناگهانی در مقررات و محدودیت‌های صادراتی اجتناب گردد. همچنین، مقررات مرتبط با تجارت خارجی با افق زمانی مشخص و قابل اتکا تدوین شود تا بنگاه‌ها بتوانند برای سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی تولید و انعقاد قراردادهای میان‌مدت و بلندمدت صادراتی با اطمینان بیشتری اقدام کنند.	ثبات اقتصاد کلان و بهبود محیط کسب‌وکار
تأمین پایدار و قابل اتکای انرژی برای صنایع صادرات محور به‌عنوان یکی از الزامات حفظ رقابت‌پذیری صادراتی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، توسعه نیروگاه‌های مقیاس کوچک، گسترش بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر در شهرک‌های صنعتی، استفاده از قراردادهای بلندمدت خرید برق و استقرار نظام‌های هوشمند مدیریت مصرف انرژی برای صنایع صادرات‌محور تسریع شود تا ریسک وقفه در تولید و صادرات کاهش یابد.	رفع ناترازی انرژی و ارتقای امنیت تأمین انرژی صنایع
توسعه فعالیت‌های صنعتی کم‌آبر، گسترش بازچرخانی آب و استفاده از پساب تصفیه‌شده در شهرک‌های صنعتی و به‌کارگیری فناوری‌های کاهش مصرف آب در اولویت قرار گیرد. همچنین، شاخص بهره‌وری آب به‌عنوان یکی از معیارهای تخصیص حمایت‌ها و مشوق‌های صنعتی لحاظ شود تا توسعه صنعتی استان با محدودیت‌های منابع آب سازگارتر شود.	مدیریت پایدار منابع آب و ارتقای بهره‌وری مصرف در صنایع
موانع گمرکی و تعرفه‌ای در بازارهای مقصد، یکی از عوامل افزایش هزینه و کاهش رقابت‌پذیری صادرات محسوب می‌شود. فقدان یا محدود بودن موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی و ترتیبات همکاری گمرکی میان ایران و برخی کشورهای هدف، از یک‌سو موجب اعمال تعرفه‌های بالاتر بر کالاهای ایرانی نسبت به رقبای برخوردار از ترتیبات ترجیحی شده و از سوی دیگر، بروز اختلاف در ارزش‌گذاری گمرکی کالاهای صادراتی را به همراه داشته است. ارزش‌گذاری بالاتر از ارزش واقعی کالا در گمرک مقصد می‌تواند مبنای محاسبه حقوق و عوارض ورودی را افزایش داده و در نهایت، هزینه ورود کالای ایرانی به بازار هدف را بالا ببرد. بر این اساس، توسعه موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه و ترجیحی، انعقاد و تقویت موافقت‌نامه‌های همکاری و مساعدت متقابل گمرکی، ایجاد سازوکار مشترک برای تبادل اطلاعات و حل اختلافات مربوط به ارزش‌گذاری گمرکی و افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری رویه‌های تعرفه‌ای باید در دستور کار دیپلماسی تجاری کشور قرار گیرد. در مورد استان تهران، پیشنهاد می‌شود کشورهای دارای سهم بالاتر در صادرات کالاهای تولیدشده یا صادرشده از استان شناسایی و اولویت‌بندی شوند و مذاکرات با این کشورها بر رفع موانعی متمرکز شود که بیشترین اثر را بر هزینه و رقابت‌پذیری صادرات استان دارند؛ به‌ویژه کاهش بی‌ثباتی در تعرفه‌ها و رویه‌های گمرکی، جلوگیری از ارزش‌گذاری غیرواقعی کالاهای و تسهیل و تسریع فرآیند ترخیص در بازارهای مقصد.	رفع موانع گمرکی و تسهیل دسترسی به بازارهای هدف
توسعه پایدار صادرات غیرنفتی مستلزم حضور بنگاه‌های خصوصی توانمند، رقابت‌پذیر و برخوردار از ظرفیت حضور در بازارهای بین‌المللی است. با این حال، اجرای ناقص سیاست‌های خصوصی‌سازی و تداوم حضور گسترده دولت و بنگاه‌های شبه‌دولتی در فعالیت‌های اقتصادی کشور، زمینه شکل‌گیری محیطی رقابتی برای رشد بخش خصوصی واقعی را محدود کرده است. از این‌رو، بازنگری در فرآیند واگذاری بنگاه‌های دولتی، کاهش مداخلات مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی و تقویت نقش آن	تقویت بخش خصوصی واقعی



در سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و نظارت، باید به‌عنوان یکی از الزامات توسعه صادرات مورد توجه قرار گیرد. هم‌زمان، ارتقای توانمندی بنگاه‌های خصوصی در حوزه‌هایی نظیر تحقیق و توسعه، استانداردهای بین‌المللی، بازاریابی صادراتی و حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی ضروری است. در این چارچوب، اتاق بازرگانی تهران می‌تواند با شناسایی بنگاه‌های مستعد صادرات، ارائه خدمات توسعه کسب‌وکار و آموزش‌های تخصصی و تقویت ارتباط بنگاه‌های استان با بازارها و شرکای خارجی، نقش مؤثری در شکل‌گیری و توسعه بخش خصوصی صادرات‌گرا ایفا کند.	
بی‌ثباتی و تعدد مقررات داخلی در کنار محدودیت‌های خارجی، یکی از عوامل افزایش هزینه و کاهش پیش‌بینی‌پذیری فعالیت‌های صادراتی است. الزام صادرکنندگان به عرضه ارز حاصل از صادرات با نرخ‌های تعیین‌شده، محدودیت در شیوه‌های رفع تعهد ارزی، سهمیه‌بندی یا اعمال محدودیت‌های مقطعی بر صادرات و تغییرات مکرر بخشنامه‌ها، می‌تواند حاشیه سود و قدرت رقابت بنگاه‌های صادراتی را کاهش دهد. از این‌رو، بازنگری در مقررات ارزی و تجاری با هدف نزدیک‌کردن سازوکار بازگشت ارز صادراتی به واقعیت‌های بازار، پرهیز از وضع محدودیت‌های ناگهانی و ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌های صادراتی ضروری است. همچنین پیشنهاد می‌شود پیش از تصویب مقررات مؤثر بر صادرات، ارزیابی آثار آن بر هزینه و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها با مشارکت تشکلهای بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی در فرآیند سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد.	اصلاح مقررات و کاهش موانع مؤثر بر صادرات

در مجموع، تحقق اهداف توسعه صادرات غیرنفتی استان تهران در گرو اجرای هماهنگ، مرحله‌بندی‌شده و قابل پایش پیشنهادهای ارائه‌شده در جدول است. اثربخشی این سیاست‌ها زمانی افزایش می‌یابد که حمایت‌ها بر زنجیره‌های ارزش اولویت‌دار، بازارهای هدف و بنگاه‌های دارای ظرفیت واقعی صادرات متمرکز شود و هم‌زمان، موانع نهادی، مالی، لجستیکی، انرژی و منابع آب به‌صورت یکپارچه مورد رسیدگی قرار گیرد.



منبع

گمرک جمهوری اسلامی ایران
مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان تهران. (۱۳۹۸). ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری استان تهران.
وزارت صنعت، معدن و تجارت. (۱۴۰۴). گزارش وضعیت اهم شاخص‌های صنعت، معدن و تجارت طی ده ماهه سال ۱۴۰۴.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). گزارش تحلیل ریشه‌یابی تفاوت‌های نرخ تورم استانی در ایران.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر کشور در سال ۱۴۰۲.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). نشریه جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌ها ۱۴۰۳-۱۳۹۹.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). نتایج طرح آمارگیری از معادن در حال بهره‌برداری کشور سال ۱۴۰۴.
مرکز آمار. (۱۴۰۴). گزیده شاخص‌ها و نماگرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان تهران.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). نتایج گزارش جوانی جمعیت در ایران سال ۱۴۰۴.
مرکز آمار. (۱۴۰۴). سالنامه آماری استان تهران سال ۱۴۰۳.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۴۰۴.
مرکز آمار. (۱۴۰۵). حساب‌های منطقه‌ای به قیمت‌های جاری و ثابت ۱۴۰۱-۱۳۹۰.
معاونت سیاست‌گذاری و راهبردی توسعه سازمان برنامه بودجه. (۱۴۰۵). گزارش اشتغال و بیکاری در زمستان ۱۴۰۴
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران. (۱۳۹۸). سند آمایش استان تهران.
شاکری، عباس، زمانی، رضا و ورتابی‌ان کاشانی، هادی. (۱۴۰۱). تاثیر تنوع و ماهیت سبد صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصادی ایران.
راعی، سیده سمانه و دهمره قلعه‌نو، نظر. (۱۴۰۰). تاثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر صادرات غیرنفتی ایران.
احمدزاده، عزیز، ناصری، حمید و سرخوش‌سرا، علی. (۱۴۰۲). چالش‌های صادرات غیرنفتی ایران با تاکید بر بازار کشورهای همسایه.

OECD. (2025). Supporting policy action via public-private dialogue.

Business France. (2021). Bilan Export 2021 de la Team France Export.

U.S. Bureau of Economic Analysis – BEA. 2008. What are location quotients (LQs)?

France's national agency for the international development of the French economy. (2021). Bilan Export 2021 de la Team France Export